

دولت‌سازی معاصر در رهیافت اسلامی از منظر گفتمان حکمرانی ولایی

علی بزمی حاجی خواجه لو^۱ عباس طاهری^۲

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، گروه پژوهش، دانشکده امنیت، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) @69gmail.com ۶۹۷۸۲۷ali.bazmi ۰۹۱۲۹۲۶۷۸۲۷

۲- دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران.

چکیده

با تفسیر رهبر انقلاب، ولایت به معنای پیوستگی و با هم بودن است. یکی از معانی ولایت، محبت است و آن هم به این دلیل که موجب پیوستگی می‌شود، اما ولایت معنای حکومت را با یک تفسیر جدید از حکمرانی ارائه می‌کند. بدون شک مسئله حکمرانی یکی از مسائل کلیدی جامعه و حکومت ماست که با بسیاری از چالش‌های کشور ارتباط دارد. «رهبری جهادی» و «مدیریت جهادی» دو رکن اصلی حکمرانی است. دولت‌سازی به عنوان یکی از مفاهیم پایه‌ای در نظام‌سازی و حکمرانی، در چارچوب‌های نگرشی مختلف معانی و الگوهای متنوعی را به خود می‌گیرد. این دامنه را می‌توان از الگوها و مدل‌های دولت‌سازی اقتدارگرایانه غربی تا الگوی دولت اسلامی فقه بنیاد (دولت فقاها) ترسیم نمود. بر این اساس تجربه دولت‌سازی در رهیافت اسلامی- ایرانی امکان ذاتی داشته و در دوره‌های زمانی مختلف، متناسب با شرایط حاکم و میزان بسط ید معصوم و یا فقیه عادل در حکومت، الگوهای مختلفی را گرفته است. آنچه در این پژوهش مورد نظر بوده است بررسی دولت‌سازی معاصر در رهیافت اسلامی از منظر گفتمان حکمرانی ولایی و تبیین نمونه‌ها و مصادیق مختلف دولت‌سازی با رویکرد اسلامی به منظور ارائه الگوی اسلامی- ایرانی دولت‌سازی است. در این راستا الگوی طراحی و استقرار دولت با رویکرد اسلامی- ایرانی بر مبنای نهادسازی ترکیبی متناسب با ارزش‌ها و احکام اسلامی و همچنین نیازمندی‌های روز جوامع انسانی پیشنهاد می‌گردد. این الگو ضمن توجه مبنایی به اصول بنیادی فقه و احکام اولیه در راستای پاسخ به نیازمندی‌های روز مبتنی بر نظر فقیه عادل و جامع شرایط (ولی فقیه) و حکمرانی ولایی به ارائه سازوکارهای نهادی و فرآیندی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: دولت‌سازی، انقلاب اسلامی ایران، دولت اسلامی، حکمرانی اسلامی، ولایت فقیه.

مقدمه

دولت‌سازی اسلامی در ایران بر بستر تغییرات کلان اجتماعی از دوره‌ی صفویه آغاز شد و پس از یک دوره وقفه‌ی چند صد ساله با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز حرکت اسلامی ملت ایران جانی دوباره گرفت. دولت اسلامی که برآیند یک گُش اسلامی و واکنش در برابر دولت مدرن است، الگوی آرمانی از صورت عملیاتی حکومت اسلامی در عصر غیبت است و مقدمه‌ای برای تشکیل جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شود. جامعه‌ای که قرار است مهبای ظهور حضرت بقیه‌الله (عج) گردد. در این وجیزه به قدر بضاعت نگارنده به طرح کلیات، مفاهیم نظری و در نهایت شاخص‌بندی کلان دولت اسلامی پرداخته شده است که بدون تردید خالی از نقصان و کاستی نیست.

پژوهش‌گران اجتماعی، دولت و قدرت رسمی در هر جامعه را معیار مناسبی برای شناخت جوامع قلمداد می‌کنند. قدرت رسمی و یا دولت در یک تعریف فنی مجموعه‌ای از دستگاه‌هایی است که تحت عنوان حاکمیت ملی به اعمال مشروع قدرت می‌پردازند. "ژرژسل" در تحلیل خود راجع به دولت می‌گوید: «دولت یک پدیده‌ی اجتماعی است، نوعی از وجود یک اجتماع سیاسی معین در سرزمینی محدود است که در آن یک نظام حقوقی مستقل و یک سازمان تأسیسی تکامل پیدا کرده است.» جان لاک می‌گوید: «هدف دولت حصول آرامش و تأمین صلح و ایجاد امنیت و تهیه‌ی موجبات رفاه افراد جامعه است.» دولت را جان لاک «وسیله‌ای برای حفظ نظم بین مردم با قدرت محدود» معرفی می‌کند. شاهبیت تمام تعاریفی که از دولت مشروع و مدرن ارائه شده ساختار و کیفیتی است که از جنس ملت و برخاسته از متن توده‌هاست. این کیفیت، توزیع خاصی از قدرت در سطح جامعه است که با فرهنگ و سنت‌های اجتماعی پیوند مستمر دارد.

در ایران نوین که سوزن پرگار عزیمت آن را برخی در سلسله‌ی صفوی می‌گذارند، ساختار دولت روندهای زایشی خود را آغاز کرد. البته هنوز بعضی از جامعه‌شناسان معتقدند در ایران جدید چیزی به اسم دولت مدرن شکل نگرفته است. چرا که اساساً دولت مدرن بر بستر یک جهان‌بینی و معرفت‌شناسی مدرن و سکولاریستی می‌روید. اما در عین حال نمی‌توان دانش‌وران بزرگ و برجسته‌ای چون شیخ بهایی، میرفندرسکی، ملاصدرا، مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی، علامه مجلسی و هنرمندانی نظیر کمال‌الدین بهزاد، آقامیرک، سلطان محمد، میرسیدعلی و علیرضا عباسی و بسیاری دیگر از خوشنویسان و نقاشان بزرگ و نام‌آور این عصر که هنوز آثار آن‌ها بر تارک علم و هنر و دین می‌درخشد را انکار کرد. بدون تردید این رویش عظیم در ادب و فرهنگ و هنر ایران نمی‌تواند در پیوند مستمر با فرایند دولت‌سازی در ایران نباشد. با پیروزی انقلاب اسلامی دولت‌سازی در ایران وارد مرحله‌ی جدیدی شد. ناکامی‌ها و شکست‌های این فرایند در سلسله‌های قاجار و پهلوی روشنفکران انقلابی را به تجدید نظر در روند دولت‌سازی در ایران واداشت. پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی به‌طور خودبه‌خود فضای اجتماعی و سیاسی کشور را مهبای تشکیل یک دولت اسلامی نمود. دولتی که مقدمه‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و کشور اسلامی است.

دلالت‌یابی دولت اسلامی متذکر این مهم است که "ارکان و پایه‌های دولت اسلامی یکی فاعلی (فاعلیت) و دیگری قابلی (قابلیت) است که عنصر فاعلی از جانب خدا و همان دستور تشریعی خداوند در تشکیل حکومت اسلامی و عنصر قابلی توده‌های مردم هستند که با پذیرش حکومت اسلامی زمینه‌ی تحقق آن را فراهم می‌کنند که لازمه‌ی پذیرش حکومت اسلامی از جانب مردم، میزان بالای عقلانیت آن‌هاست." هر چند در تقسیم‌بندی‌های متداول در گونه‌شناسی رژیم‌های سیاسی، دولت اسلامی هنوز جایگاه درخور توجهی پیدا نکرده و بیشتر شبیه یک آرمان نظری است، اما عموم مسلمانان و به‌خصوص ملت انقلابی ایران معتقدند که مفهوم دولت اسلامی یک ما به ازای عینی و واقعی دارد که در هر عصر و مکان به فراخور مقتضیات، امکان حدوث و تکامل دارد. به تعبیر رهبر فرزانه‌ی انقلاب: "از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه؛ تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیش‌رفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پای‌مان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردم شدید؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل‌بسته به رفتارهای طاغوتی شدیم." رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۸۴/۶/۸.

اغلب مشکلات امروز کشور ناشی از تردیدهای گذشته و حال ما در تحقق مفهوم "دولت اسلامی" است. دولت اسلامی اگرچه از بایسته‌های انقلاب اسلامی است اما در مسیر تحقق آن افت و خیزهای فراوانی وجود داشته است. در واقع در حرکت اسلامی ملت ایران انقلاب اسلامی اولین منزلگاه بود که در ادامه به تشکیل نظام اسلامی انجامید. تحقق دولت اسلامی از همان عنفوان انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اهداف اصلی حرکت اسلامی ملت ایران مطرح شد و تشکیل این الگوی آرمانی از دولت مقدمه‌ای بر شکل‌گیری بطئی "جامعه‌ی اسلامی" قلمداد می‌شد. اما در این مسیر ملت بصیر ایران شاهد پستی و بلندی‌هایی نیز بود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: "اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد... اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کنونا دعاه الناس بغیر السنتکم»؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است." در حقیقت حیات اجتماعی مؤمنانه در گرو مهندسی دولت اسلامی - ایرانی است. دولتی که بتواند در مناسبات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بن‌مایه‌های اسلامی را وارد نماید.

چارچوب نظری موضوع

شاخص‌های دولت تراز دهه پنجم انقلاب اسلامی

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و دهه مبارک فجر، فرصت مغتنمی برای بررسی بسیاری از موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی است. دستاوردها، فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع انقلاب اسلامی، از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در این ایام می‌تواند مورد بررسی و تبادل نظر میان صاحب‌نظران قرار گیرد. دهه چهارم انقلاب اسلامی رو به پایان است و به زودی انقلاب اسلامی وارد دهه پنجم خود خواهد شد. با توجه به آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی، شاخص‌های دولت تراز انقلاب اسلامی در دهه پنجم انقلاب است؛ موضوعی که در این نوشتار، به اختصار بررسی می‌شود. (پایگاه خبری بصیرت).

دولت تراز دهه پنجم انقلاب

دولت به معنای عام، شامل همه قوای سه‌گانه و دستگاه‌ها و سازمان‌های حکومتی است و در معنای خاص، به قوه مجریه اطلاق می‌شود. در این نوشتار، مراد از دولت به معنای خاص آن، یعنی قوه مجریه است. قوه مجریه شامل رئیس‌جمهور، معاونین، اعضای هیئت دولت و تمامی رؤساء سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت می‌باشد. دولت تراز دهه پنجم انقلاب اسلامی، یعنی آن دولتی که بتواند به نیازهای انقلاب اسلامی در دهه پنجم، پاسخ مناسب دهد و توانایی حل مسائل کشور و نظام متناسب با صلاحیت‌های خود در این دهه را داشته باشد. انقلاب اسلامی، انقلابی هدفمند، برخوردار از اصول و مبانی و دارای آرمان و اهداف است. نقش دولت به معنای عام و همچنین به معنای خاص، در حرکت انقلاب به سمت آرمان‌ها و اهداف، یک نقش اساسی و تعیین‌کننده است. به طور اساسی دولت‌سازی اسلامی به معنای عام آن، یکی از مراحل و گام‌های مهم در فرآیند تکاملی انقلاب است. در موضوع ساخت دولت اسلامی به معنای عام، قوه مجریه یا دولت به معنای خاص، نقش کلیدی دارد. شرط لازم برای ساخت یک جامعه اسلامی و رسیدن به حیات طیبه و بنای تمدن اسلامی به معنای دقیق کلمه، برخوردار شدن کشور از یک قوه مجریه با مختصات کلی اسلامی و انقلابی است. در دهه پنجم انقلاب چنین دولتی باید شکل بگیرد تا حرکت انقلاب اسلامی به سمت آرمان‌ها و اهداف شتاب لازم را پیدا کند.

نیازهای انقلاب و نظام اسلامی در دهه پنجم

وقتی صحبت از نیازهای انقلاب در یک مقطع زمانی می‌شود؛ برای احصای این نیازها باید به موقعیت انقلاب از منظر فرآیند تکاملی انقلاب، موقعیت انقلاب در منطقه و جهان، شرایط و مسائل داخلی کشور و نظام توجه کرد. از منظر فرآیند تکاملی

انقلاب، براساس مراحل پنج‌گانه مطرح شده از سوی رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی در مرحله سوم، یعنی مرحله دولت‌سازی اسلامی قرار دارد. بدیهی است برای ورود به مرحله چهارم و مرحله پنجم (به عنوان آخرین مرحله)، باید از مرحله سوم، یعنی ساخت دولت اسلامی عبور کرد. همان‌طور که اشاره شد، قوه مجریه در ساخت دولت اسلامی، نقشی اساسی و بی‌بدیل دارد. بنابراین، یکی از شاخص‌های دولت تراز دهه پنجم، آن است که این دولت با رویکردهای اسلامی و انقلابی، بتواند به ساخت دولت اسلامی به معنای عام کلمه کمک کند. از دیگر نکات کلیدی در تعیین شاخص‌ها برای دولت تراز دهه پنجم، مسائل اساسی در دو حوزه سیاست خارجی و شرایط داخلی کشور است. اکنون انقلاب اسلامی توانسته در منطقه راهبردی غرب آسیا، با پدید آوردن جریان‌های مقاومت و بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه‌ای، با برخورداری از نفوذ بالا تبدیل کند. دولت تراز دهه پنجم، دولتی است که این موقعیت بسیار ارزشمند را درک کرده، قادر به تثبیت این موقعیت با فراهم ساختن الزامات آن باشد.

نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان، سرزمین‌های اشغالی، یمن، بحرین و دیگر کشورهای منطقه، یک واقعیت است. دولت تراز دهه پنجم، دولتی است که باید بتواند با پشتیبانی از طرح‌ها و برنامه‌های شکل‌دهنده به نظم منطقه‌ای در راستای جریان انقلاب اسلامی، موقعیت برتر ایران در منطقه را تثبیت کند. به یقین تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران با ایفای نقش کلیدی در شکل‌دهی به نظم و ترتیبات این منطقه، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت مؤثر بین‌المللی تبدیل خواهد کرد. در مسائل داخلی، اولویت با حل مشکلات اقتصادی و رسیدگی به معیشت مردم و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی است. حل این مشکلات و معضلات نگران‌کننده، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای جریان انقلاب اسلامی در دهه پنجم است و این مشکلات و معضلات، هنگامی حل خواهند شد که دولت در تراز دهه پنجم شکل بگیرد.

شاخص‌های دولت تراز دهه پنجم وقتی بحث شاخص‌های دولت تراز دهه پنجم انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، این شاخص‌ها ناظر به ویژگی‌های رئیس‌جمهور منتخب مردم، ویژگی‌های مسئولان اصلی دولت شامل معاونین رئیس‌جمهور، وزراء، رؤسای سازمان‌ها، استانداران، فرمانداران و عناصر هم‌تراز آنان می‌باشد. چنین دولتی با رأی مردم انتخاب می‌شود. مردم هر چه در انتخاب خود دقت بیشتری داشته باشند، دولت برآمده از رأی آنان، در پاسخگویی به نیازهای انقلاب و نظام توانمندتر و متعهدتر خواهد بود. بنابراین انتخابات برای مردم ایران، فرصتی برای گزینش بهترین‌ها است. بهترین‌ها در دهه پنجم، همان‌هایی خواهند بود که بتوانند با تشکیل دولت در تراز دهه پنجم انقلاب، با پاسخ شایسته به نیازهای انقلاب، مشکلات مردم و نظام را در حوزه‌های مختلف رفع کنند.

این افراد کسانی هستند که دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های زیر باشند:

- ۱- به اصول، مبانی، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی معتقد و وفادار باشند.
- ۲- اعتقاد راسخ به نظام ولایتی داشته و در عمل ولایت‌محور باشند و تمام توان خود را برای یاری رساندن به ولایت به منظور پیشبرد انقلاب و تحقق آرمان‌ها و اهداف به کار گیرند.
- ۳- متناسب با نیازهای انقلاب و کشور در دهه پنجم از توان علمی، تجربه و تخصص بالا برخوردار باشند.
- ۴- درک عمیق از موقعیت انقلاب، نظام اسلامی و اوضاع داخلی و خارجی جمهوری اسلامی داشته باشند.
- ۵- درک درست و عمیقی نسبت به تهدیدات، نقشه‌های دشمنان و جبهه استکبار داشته باشند.
- ۶- به استکبارستیزی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا معتقد بوده و مرعوب غرب نشوند.
- ۷- خود را خدمتگزار مردم دانسته و برای گره‌گشایی از مشکلات کشور و مردم، تمام توان خود را به کار گیرند.
- ۸- به دور از زندگی اشرافی و روحیه عافیت‌طلبی و دنیاگرایی باشند.

- ۹- با دشمنان و جریان ضدانقلاب و مخالفان و معاندان انقلاب و نظام، مرزبندی روشنی داشته باشند.
- ۱۰- از مدیریت جهادی و اندیشه و تفکر بسیجی برخوردار باشند.
- ۱۱- روحیه انقلابی و عمل انقلابی داشته باشند.
- ۱۲- پرچمدار جهاد کبیر و عدم تبعیت از کفار بوده، با نفوذ دشمنان در هر شکل آن مبارزه کنند.
- ۱۳- درک درستی از مکتب و خط امام(ره) داشته باشند و با تمام توان با جریان فعال برای تحریف شخصیت آن عزیز سفر کرده مقابله کنند.
- ۱۴- بیت‌المال را امانت در اختیار بدانند و از آن صیانت کرده و با هر نوع رانت‌خواری و خاصه‌خواری در حیطه مسئولیتی خود مقابله کنند.
- ۱۵- اهل مبارزه جدی با فسادهای مالی، اقتصادی و اخلاقی در هر شکل آن باشند.
- ۱۶- حفظ استقلال کشور در تمامی ابعاد را، به عنوان یک اصل ثابت مورد توجه قرار دهند.
- ۱۷- به پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران پس از انقلاب اعتقاد داشته، برای سرعت‌بخشی به این پیشرفت‌ها با اتکا بر توانایی‌های داخلی تلاش کنند.
- ۱۸- در تمامی موضوعات و مسائل در برخورد با مردم صادق باشند.
- ۱۹- از شرح صدر بالایی در برخورد با مسائل و مشکلات برخوردار باشند.
- ۲۰- در همه مسائل و موضوعات مختلف، کلام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای را فصل‌الخطاب بدانند. (منبع: هفته نامه صبح صادق).

دولت اسلامی در تاریخ ایران

از ریشه‌کاوی دولت اسلامی در تاریخ ایران رگه‌هایی هر چند کم‌عیار در دوره‌ی صفویه به‌دست می‌آید. در این سلسله‌ی پادشاهی اگرچه به‌طور رسمی عنوانی از ولایت‌فقیه و یا دولت اسلامی وجود ندارد اما حضور پررنگ شیخ‌الاسلام‌ها و علماء در تسهیل کارکردهای دولت قابل رؤیت است. در این دوره رابطه‌ی روحانیت در تعامل مستقیم با حکومت و ساختار قدرت یک رابطه‌ی کارکردی است چراکه برای اولین بار پس از حکومت حضرت علی (ع) روحانیون شیعه می‌توانند در عالی‌ترین سطوح مملکتی حضوری پررنگ داشته باشند. شاه طهماسب رسماً از عالم بزرگ «محقق کرکی» دعوت کرد به ایران آمده و بر امر حکومت نظارت کند؛ و اعلام نمود که پادشاهی من مشروعیت خود را از تأیید «کرکی» می‌گیرد و ایشان حق دارد هر لحظه، به عزل من حکم دهد. طهماسب اول منصب «صدر»، که بالاترین مقام دربار بود را به علماء واگذار کرد. شاه عباس اول غالباً از علمای بزرگ در حضور خود مجالسی تشکیل می‌داد و از مباحثات و مناظرات دینی آن‌ها استفاده می‌کرد. در واقع حکومت "سلطان و فقیه" در دوره‌ی صفویه توزیع مشروعی از قدرت را ایجاد کرده بود که رابطه‌ی دین و دولت در ایران را هر چند با فراز و فرودهایی تنظیم می‌کرد. اما این روند با آغاز دوران گذار ایران از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی جدید و ایجاد مؤلفه‌های دولت مدرن متوقف می‌گردد. در اواخر دوره‌ی قاجاریه خصوصاً دوران صدارت امیرکبیر و سپس مشروطه به یک‌باره دولت‌سازی اسلامی متوقف می‌شود و به موازات آن نوعی دولت‌سازی شبه مدرن در ایران پا می‌گیرد. این دولت‌سازی نوعی غربی‌سازی بر یک بستر معرفتی ایرانی- مذهبی است. محصول این فرایند دیکتاتوری رضاخان و فساد محمد رضا پهلوی بود. در واقع مسیر انحرافی دولت‌سازی مدرن که در نقطه‌ی عطف مشروطیت راه‌گشایی شد، فرایند دولت‌سازی اسلامی در ایران را

حداقل دو قرن به عقب انداخت. انقلاب اسلامی در حقیقت واکنشی مردمی به فرایند دولت‌سازی شبه مدرن در ایران بود. جامعه‌ی ایران، دولت مدرن را به اعمال نامشروع قدرت محکوم کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی بار دیگر تحقق عینی و صواب دولت اسلامی مورد التفات نخبگان و مردم قرار گرفت.

دولت اسلامی محصول نوسازی فرهنگ سیاسی

دولت اسلامی یک الگوی ایدآل و آرمانی است که ضمن بسترسازی برای حیات سیاسی و اجتماعی مؤمنانه‌ی شهروندان و اثبات کارآمدی اسلام در اداره‌ی جامعه، موجبات افزایش کیفیت زندگی مادی و معنوی مردم را فراهم می‌کند. دولت اسلامی تعالی طلب و رسالتش درمان غرب‌زدگی جامعه‌ی ایران است. دولت اسلامی محصول نوسازی فرهنگ سیاسی در ایران مبتنی بر اصول و ارزش‌های انقلاب است. در واقع دولت اسلامی آغازی بر توزیع خاصی از ارزش‌ها، ایستارها، هنجارها و مهارت‌های سیاسی مبتنی بر معیارها و شعارهای انقلاب اسلامی است. الگوی دولت اسلامی از منظر رهبر فرزانه انقلاب: "معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم." با پیروزی انقلاب اسلامی اگرچه همه‌ی تلاش‌های مسؤولان، نخبگان و دلسوزان نظام به تشکیل دولت اسلامی معطوف گردید اما حضور غیرقابل انکار عوامل کاهنده، از سرعت این فرایند کم کرد. هرچند انقلاب اسلامی پیروز شده بود اما رگه‌های سکولاریستی و مدرن با حضور در لایه‌های مختلف ساختاری اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هنوز در مقابل تشکیل دولت اسلامی مقاومت می‌کردند. در این دیالکتیک ساختاری-کارکردی حتی در برخی برهه‌ها کفه‌ی ترازو به نفع دولت مدرن سنگین می‌شد.

یکی از آسیب‌های غیرقابل اجتناب دولت‌های پس از انقلاب، به‌خصوص دولت‌های سازندگی و اصلاحات؛ عرفی‌گرایی به‌واسطه‌ی روزمرگی تکنوکراتیک و یا کژاندیشی لیبرال دموکراتیک بوده است. این موضوع منافاتی با انقلابی بودن و ولایت‌پذیری آن‌ها نداشت اما در عین حال نمی‌توان مدعی شد که دولت‌های گذشته در تئوری پردازی‌های کلان خود دال بر تر "دولت اسلامی" را در مرکز منظومه‌ی گفتمانی خود قرار داده بودند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: "نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جان‌هایشان را کف دست‌شان گرفته‌اند و جوان‌هایشان را به میدان‌های خطر فرستاده‌اند؛ آن وقت مسؤولان یک چنین نظامی دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! «یکی بر سر شاخ و بن می‌برید»؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بن این مبنا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود. خب، الحمدلله این‌ها جلوی‌ش گرفته شد. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲) در اثنای تبلیغات انتخاباتی ریاست‌جمهوری نهم شعار تشکیل "دولت اسلامی" از جانب یکی از جریان‌ها و اضلاع رقابت پررنگ گشت و عمده جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های اجرایی قبل و بعد از انتخاب بر این اساس پی‌ریزی شد. دکتر محمود احمدی‌نژاد با طرح شعار دولت اسلامی عملاً وارد مسیر دشوار و پرهزینه‌ای شد که خواسته یا ناخواسته پرتنش بود. تقابل با رگه‌های سکولاریستی که میراث دولت مدرن در ایران بود و در ۳۰ سال گذشته به دلیل عدم اهتمام برخی از مسؤولان به مبارزه با آن در دالان‌های مختلف نظام و در ساحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ریشه دوانده بودند کار سختی به نظر می‌رسید.

شاخص‌های دولت اسلامی

تحقق دولت اسلامی در بستر تغییرات اجتماعی و اعوجاجات گذار از دولت شبه مدرن به نمونه‌ی آرمانی ممکن است که در نهایت مقدمه‌ی دولت مصلح و کریمه‌ی حضرت صاحب الزمان (عج) قلمداد گردد. در این الگوی ایده‌آل، تعادل و توازنی قابل پیش‌بینی بین ثبات و بنیان مرصوص دولت اسلامی با ضرورت تغییر و تکامل مداوم تا تشکیل دولت حکمت و عدالت حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج) برقرار می‌گردد. در واقع صورت‌بندی رفتار دولت اسلامی در چارچوبی عینی و واقع‌گرا می‌گنجد که همگام با تکامل ساختاری و کارکردی اما از مبانی محکم و غیرقابل خدشه‌ای برخوردار است. در این پارادایم تغییرات اجتماعی

که محصول انقلاب اسلامی است هیچ وقت متوقف نمی‌شود. بخشی از این تغییرات اجتماعی شامل مهدویت‌گرایی، عدالت‌محوری، مردم‌گرایی، ساده‌زیستی، استکبارستیزی، اعتقاد و افتخار به عزت و هویت ملی، وفاداری به گفتمان انقلاب اسلامی، شجاعت در تصمیم‌گیری برای حل مشکلات بزرگ، مقابله با فساد، تماس و انس مستمر با مردم و... می‌شود. به تعبیر "آلین استانفورد کوهن" در کتاب تئوری‌های انقلاب: "چنانچه انقلاب با دگرگونی اجتماعی مترادف تلقی شود، در این صورت با به قدرت رسیدن گروه جدید به پایان نمی‌رسد بلکه برعکس شاید جالب توجه‌ترین دوره‌ی انقلاب تازه با همین تسلط بر قدرت آغاز گردد."

بر این اساس می‌توان دو کلان‌شاخص اصلی برای دولت اسلامی در نظر گرفت که لوازم تحقق جامعه اسلامی محسوب می‌شوند:

الف) هم‌گفتمانی با انقلاب اسلامی

ب) کارآمدی

که در ادامه به شرح و بسط این دو شاخص اصلی می‌پردازیم.

الف) هم‌گفتمانی با انقلاب اسلامی

از این منظر، دولت اسلامی در یک دیالکتیک دوسویه محصول تغییرات اجتماعی انقلاب و در عین حال مولد و محرک تغییرات اجتماعی انقلابی است. بر این اساس مهم‌ترین شاخص در تحلیل مبانی و چارچوب‌های دولت اسلامی در ایران این واقعیت است که در این الگوی آرمانی باید تغییرات اجتماعی انقلابی تداوم داشته باشد و دولت اسلامی در حد و اندازه‌های موتور محرک این تغییرات استعلایی ظاهر شود.

رهبر فرزانه انقلاب در همین زمینه سال گذشته در دیدار با خبرنگاران ملت، شرط کافی حفظ نظام اسلامی را حفظ و تقویت محتوا و اصول اساسی نظام اسلامی برشمردند و خاطرنشان کردند: "اگر به محتوا و اصول توجه نشود ممکن است در زیر پوست شکل رسمی نظام، تغییرات تدریجی و بی‌سر و صدایی اتفاق بیفتد و نظام اسلامی را به سمت انحراف بکشاند که در برخی مواقع، خواص هم متوجه این انحراف تدریجی نمی‌شوند." معظم له شکل رسمی نظام اسلامی را بخش سخت افزاری نظام دانستند و افزودند: "بخش‌های نرم‌افزاری نظام اسلامی که در واقع همان جهت‌گیری‌های فکری، شاخص‌های اصلی و شعارهای بنیادین انقلاب است، مهم‌ترین مسئله برای حفظ نظام است."

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی پس از قرن‌های متمادی "بسط‌ید" مؤمنان برای اداره‌ی اسلامی جامعه بود. البته این بسط‌ید در بستر تغییرات اجتماعی مستمر و بطئی در ساحات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌وقوع می‌پیوندد. تغییرات اجتماعی که محصول انقلاب اسلامی است شبیه یک بافت روحانی می‌باشد که حکومت اسلامی و مردم مسلمان ایران را به هم پیوند زده و پرده‌ای آهین در مقابل دشمنان انقلاب اسلامی می‌آویزد. تا زمانی که این تغییرات اجتماعی انقلابی تداوم دارد و دولت اسلامی خود را واقف و ملتزم به تحرک آن می‌داند هیچ قدرتی نمی‌تواند اخلالی در فرایندهای سیاسی کلان نظام ایجاد نماید. دولت اسلامی از آن‌جا که برداشت نوساختی از مفهوم "ولایت‌پذیری" در عصر غیبت است و با اتکا به زیرساخت ولایت‌فقیه فیوضات و برکات رهبری را در تمام سپهرهای اجتماعی می‌گستراند، مولد و موتور محرک تغییرات انقلابی است. بنابراین اولین و مهم‌ترین شاخص قابل اندازه‌گیری برای دولت اسلامی هم‌گفتمانی با انقلاب اسلامی و تلاش برای استمرار و تداوم تغییرات (استعلایی- اجتماعی) انقلاب اسلامی است.

ب) کارآمدی

یکی از شاخص‌های دیگر دولت اسلامی مسئله‌ی کارآمدی است. کارآمدی ارتباط مستقیمی با مشروعیت‌یابی نظام‌های سیاسی مشروع دارد. یک نظام سیاسی غیرمشروع به واسطه‌ی کارآمدی می‌تواند در فرایندهای مشروعیت‌یابی موفق عمل کند و در عین حال یک اقتدار مشروع ممکن است به واسطه‌ی عدم کارآمدی و ناکامی در مشروعیت‌یابی نتواند به اعمال قدرت مشروع خود ادامه دهد.

کارآمدی یک مقوله‌ی چند وجهی است که برخی پژوهش‌گران آن را به درجه و مقداری که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نائل می‌شود و یا "نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها" تعریف کرده‌اند. بر اساس تعاریف اندیشمندانی نظیر "لیپست" کارآمدی به ایفای بهینه‌ی کارویژه‌های حکومت اطلاق می‌شود. کارآمدی لازمه‌ی بقا و پویایی عموم نظام‌های سیاسی است. کارآمدی نرم‌افزاری برای جریان مشروعیت نظام است. هر نظام سیاسی به تواتر شاهد توزیع ارزش‌ها و مطالبات جدید و قدیمی است که در صورت مدیریت آن‌ها می‌توان مدعی بود، آن سیستم توانسته از پس کارویژه‌های خود برآید. به تناسب وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، در برخی اوقات سامانه‌ها شاهد انباشت ارزش‌ها و یا توقعات عمومی هستند. این انباشت ارزشی چنانچه از تسلط فرایند توزیع مقتدرانه (دیوید ایستون) خارج شوند می‌تواند برای هر جامعه‌ی سیاسی مشکل‌زا باشد و مقدمات ناکارآمدی یک سیستم را فراهم نماید. کارآمدی مسبوق به مملکت‌داری برنامه‌ای است و نوعاً اعتقاد بر این است که فهم نظام‌های سیاسی از کارآمدی و مسیرهای ممکن برای افزایش کیفیت مادی و معنوی زندگی شهروندان مبتنی بر درک مشترک نخبگان و کارشناسان از مفاهیم بنیادین و اصولی، متدولوژی پیشرفت کشور و خدمت به مردم و توافق بر واقعیات علمی برای اداره‌ی جامعه است.

مسئله‌ی کارآمدی در نظام سیاسی اسلام از اهمیت بیشتری برخوردار است. مسئله‌ی کارآمدی در ادبیات دینی اسلام نیز بی‌سابقه نیست و هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم می‌توان از قرآن و روایات و به‌ویژه احادیث امام علی(ع) در این زمینه بهره گرفت. ایده‌ی کارآمدی اسلام در اداره‌ی جامعه موجد دولت اسلامی و این الگوی آرمانی، مثبت کارآمدی اسلام در مدیریت کشور است. یعنی دولت اسلامی باید ثابت کند که قوانین و برنامه‌های اسلام برای کشورداری کارآمد است. رهبر انقلاب با تحلیل جامعی از نظام مطلوب مردم‌سالاری دینی و ذکر مزیت‌های آن نسبت به دموکراسی‌های غربی، در شهریور سال ۱۳۸۰ طی بیانات مبسوطی در جمع رئیس‌جمهوری و هیأت وزیران دیدگاه‌های خود را در مورد شاخصه‌های کارآمدی و ناکارآمدی نظام اسلامی و وظایف و ویژگی‌های الزامی آن بیان نمودند. ایشان دولت در نظام اسلامی را دولت کریمه دانسته و شرایط تحقق چنین دولتی را، عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گران‌قدر انقلاب، و بیان آرمان‌ها و حرف‌های نو برای جامعه‌ی بشری از جمله مردم‌سالاری دینی، اعلام داشته و با تأکید بر لزوم کارآمدی دولت تصریح کردند. "فلسفه‌ی وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرف‌های خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است؛ و برای تحقق این مهم، باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد."

در دولت اسلامی فقر معنا ندارد و جامعه مولد ثروت و دولت توزیع‌کننده‌ی منطقی و عادلانه آن است. در عرصه‌ی فرهنگ، مناسبات دقیق و بدون کم و کاست اسلامی و قرآنی حاکم است. حتی دیوان‌سالاری کشور نیز رنگ و بوی اسلامی دارد. نمادها و سمبل‌های اسلامی در جای جای جامعه قابل لمس و محسوس است. بر بازار مسلمین روابط اسلامی حاکم است. در دولت اسلامی نشاط و شادابی برای خدمت به مردم وجود دارد. در دولت اسلامی دولت‌مردان و حاکمان انسان‌های خودساخته‌ای هستند. دولت اسلامی مسیر پیشرفت‌های علمی یک جامعه را هموار می‌کند، و در نهایت عدالت‌گستری، مهرورزی، صیانت از عزت ملی، دعوت به اخلاق حسنه، حرکت به سمت جامعه‌ی الگو، صیانت از منابع ملی، انسانی و طبیعی، حفظ امانت مسئولیت، پاکی و پاک‌دستی، دفاع از مظلومان و مقابله با ستم‌گران و ظالمان جهان و ایستادگی بر حقوق ملت و... از جمله شاخص‌های دولت اسلامی است که ثابت می‌کند دولت اسلامی به کارآمدی اسلام در عرصه‌ی اداره‌ی جامعه ایمان دارد. تجربه‌ی سی‌ساله ثابت کرده که مبتنی بر بسترهای غیر بومی و سکولار نمی‌توان ایده‌های اسلامی را به‌طور کامل اجرا کرد و کارآمدی مطلوب را در کلیه‌ی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محقق نمود. وظیفه‌ی مهم و خطیر نخبگان بسترسازی برای توسعه‌ی بومی و اسلامی کشور در بستر یک فهم مشترک است. بدون تردید تحقق کارآمدی نظام

اسلامی تنها در یک زیرساخت اسلامی- ایرانی میسر است. دولت اسلامی برای اداره‌ی کشور نیازمند یک نظریه‌ی حکومتی است تا کشور را اداره کند و باید اسلام را مبنای اداره‌ی جامعه قرار دهد؛ چراکه دین اسلام جامع و کامل است و برای سعادت انسان نازل شده است.

ضرورت ها و ویژگی های دولت تراز انقلاب اسلامی

۱. ضرورت تشکیل دولت تراز دهه چهارم انقلاب اسلامی

۱-۱. تحقق آرمان های انقلاب

انقلاب اسلامی، با برخورداری از اصول و مبانی و اهداف خود که مجموعه آن در قانون اساسی، اندیشه های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری آمده است، به دنبال فتح قله های کمال در عرصه های اخلاقی و معنوی، علمی، اقتصادی و فرهنگی است و دولت تراز آن بایستی در مسیر حرکت انقلاب به سمت این اهداف، نقش اساسی و تعیین کننده ای ایفا کند.

۱-۲. دولت سازی اسلامی

مرحله سوم تحقق آرمان و هدف انقلاب اسلامی دولت سازی اسلامی است که اکنون در این مرحله هستیم. از نظر رهبر معظم انقلاب این مرحله بسیار حساس است، زیرا دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزراء؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. (۷۹/۹/۱۲). دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازمان دهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل، اسلامی عمل کند. باید جهت گیری ها و رفتار اجتماعی و رابطه کارگزاران با مردم با معیارهای اسلامی انطباق یابد. دولت اسلامی، دولتی است که در آن رشوه، فساد اداری، ویژه خواری، کم کاری، بی اعتنائی به مردم، میل به اشرافی گری، حیف و میل بیت المال نباشد. معنای شعار دولت اسلامی این است که اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین کارگزاران و رفتار با نظام های بین المللی و نظام سلطه امروز جهانی به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک تر شود.

۱-۳. پاسخگویی به نیازهای انقلاب اسلامی در دهه چهارم

برای داشتن یک دولت در تراز دهه چهارم انقلاب، بایستی نیازهای انقلاب اسلامی در این دهه شناسایی شده و دولتی با توان تأمین و پاسخگویی به آن شکل بگیرد. این درحالی است که شناخت این نیازها به درک بهتر ویژگی های دولت اسلامی نیز کمک شایانی خواهد کرد، اما این نیازهای انقلاب اسلامی در دهه چهارم، بخشی از آن ناظر بر عرصه داخلی و شرایط، مسائل و مشکلات پیش روی انقلاب است و بخشی دیگر از آن به موقعیت انقلاب اسلامی در منطقه و عرصه بین المللی و اقتضائات آن باز می گردد.

۱-۳-۱. پاسخگویی به نیازهای داخلی

در عرصه نیازهای داخلی انقلاب اسلامی با مسائل مختلفی از قبیل آفت ها و آسیب هایی که سیرت انقلاب را از درون در معرض خطر قرار داده، همچون اشرافی گری، عافیت طلبی، عمل گرایی و ارزش گریزی، برون گرایی و کم توجهی به ظرفیت های درونی مواجه شده است. انقلاب اسلامی که با شعار ساده زیستی و سخت کوشی پا به عرصه جامعه ایران گذاشت، پس از پایان جنگ به تدریج از این آموزه های اصیل در جامعه و به خصوص در میان مسئولان و سیاستمداران فاصله گرفت و فضای اشرافی گری و نوعی از عافیت طلبی بر آن حاکم شد. انقلاب اسلامی که در آغاز، نیروهای ساده زیستی چون شهید رجایی را به خود دیده بود، با گذشت زمان در دهه چهارم انقلاب در میان وزرای کابینه دولت سخن از مسئولانی با سرمایه های میلیاردی به میان آمده است. در کنار این آفت اشرافی گری که گریبان گیر انقلاب اسلامی شده است، روحیه عافیت طلبی نیز جای تلاش و جهاد در کشور را گرفته و موجبات رخوت و سستی در عرصه های مختلف جامعه را به همراه آورده است. اقدامات مهم و

بزرگ صنعتی، به دلیل وجود برخی موانع و تحریم‌ها به تعویق افتاده و به‌کندی پیش می‌رود و خبری از کوشش‌های مجاهدانه و روحیه غلبه بر مشکلات و موانع در میان مسئولان دولتی نیست. اقتضای چنین فضایی در دهه چهارم انقلاب، دولتی را می‌طلبد که دولت‌مردان آن و در رأس آن رئیس‌جمهور با روحیه‌ای جهادی در میدان تلاش حضور یابد و روحیه امید و غلبه بر موانع و مشکلات را به بدنه دولت تزریق کند.

همچنین، انقلاب اسلامی به‌عنوان انقلابی فرهنگی، آمیزه‌ای از ارزش‌های اخلاقی و معنوی است که دولت‌ها به‌عنوان حافظان این ارزش‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. این درحالی است که در دهه چهارم انقلاب ارزش‌های انقلابی چون ایثار، دست‌گیری از محرومان و اقشار مستضعف، عدالت و رفع تبعیض، اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی به حاشیه رفته و جای خود را به عمل‌گرایی صرف و ظاهرسازی عوام‌فریبانه داده است. امروزه مسئولان و دولت‌مردان، تنها با ارائه آمار و ارقام و برخی اقدامات ظاهری از اهداف اصلی خود که حفظ ارزش‌های اصیل انقلاب است، فاصله گرفته و موجبات کم‌رنگ‌شدن این ارزش‌ها را فراهم ساخته‌اند. این آفت‌های انقلاب اسلامی در دهه حاضر را دولتی می‌تواند رفع کند که با پاس‌داشتن ارزش‌های انقلابی به گسترش آن اقدام ورزد و در عرصه عمل با اقدام خویش آن را در جامعه محقق سازد.

مهم‌ترین شعار انقلاب اسلامی، استقلال و نفی وابستگی به اجانب و بیگانگان بوده است. این شعار که برگرفته از یک اصل اسلامی و قاعده «نفی سبیل» و آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) است، سلب بیگانگان بر مسلمانان را نفی می‌کند. چنین شعاری با پیروزی انقلاب اسلامی موجی از خودباوری و اعتماد به نفس را در میان ملت ایران زنده کرد و جهاد خودکفایی را در این کشور به راه انداخت که برخورداری از صنایع دفاعی و موشکی، صنایع هسته‌ای، نانو تکنولوژی، پیشرفت‌های پزشکی و درمانی، گوشه‌هایی از دستاوردهای این روحیه انقلابی است؛ اما با گذشت زمان و ورود انقلاب به دهه چهارم، موجی از برون‌گرایی و بی‌توجهی به ظرفیت‌های درونی میان دولت‌مردان حکم‌فرما شد و آثار آن با ورود برخی صنایع و شرکت‌های غربی پس از برجام نمودار گردید. این درحالی بود که برخی مسئولان سخن از برجام دو و سه و دومینویی از برجام‌ها در کشور سر دادند و خواستار حضور گسترده شرکت‌های غربی در سایه روابط با غرب در ایران شدند. این روحیه خودکم‌تریبینی که زمانی انقلاب اسلامی آن را در کشور ریشه‌کن کرد، اینک در دهه چهارم انقلاب باز سر برآورده است؛ از این‌رو، اقتضاء و ضرورت دارد دولتی انقلابی با دولت‌مردان متکی به توان داخلی و ظرفیت‌های بالقوه درونی شکل گیرد و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی با توجه به توان داخل گام بردارد. سیاستی که در انجام برخی فازهای پارس جنوبی به دست شرکت‌های داخلی توان تحقق آن به اثبات رسیده است.

مشکلات معیشتی توده‌های مردم و به‌خصوص اقشار ضعیف یکی دیگر از مسائل پیش روی انقلاب اسلامی در دهه چهارم است، معضلی که با شکل‌گیری فاصله طبقاتی، رکود اقتصادی و کم‌رنگ‌شدن رونق بازار گریبان‌گیر مردم کشور شده است. هرچند با تأکیدات مداوم مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر بر موضوع اقتصاد و طرح اقتصاد مقاومتی و اقدام و عمل، ضرورت انجام آن از دولت‌مردان کشور مطالبه شده، متأسفانه اقدامات تأثیرگذار و ملموسی انجام نشده است. انجام این مهم، دولت و دولت‌مردانی را اقتضاء می‌کند که با مدیریت کارآمد، فعال و عزم جدی در صحنه اقتصاد وارد شود و با عملی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای رونق بازار کسب و کار و کارخانجات و ازسویی چرخه اقتصادی کشور، گام‌های مؤثری بردارد و به صنایع داخلی کشور رونق ببخشد. اقداماتی که در صورت تحقق مطلوب آن مشکلات معیشتی مردم نیز به تبع آن رفع خواهد شد. در میان این نیازهای داخلی انقلاب، توجه به موضوع فرهنگ به‌عنوان رهیافت اصلی انقلاب اسلامی امری حائز اهمیت است، موضوعی که نبایستی در میان تأکیدات و توجهات به امر اقتصاد در کشور از آن غفلت، و این شالکه مهم که انقلاب بر آن بنا شده است، نادیده انگاشته شود. اما نکته اینجاست که فضای کنونی فرهنگ با طرح مسائلی چون «فرهنگ را بایستی به اصحاب فرهنگ سپرد» و نیز اتخاذ فضای باز فرهنگی ازسوی مسئولان، به سوی فاصله‌گرفتن از فرهنگ اسلامی و انقلابی در حال حرکت است. این درحالی است که خطر تهاجم فرهنگی که مقام معظم رهبری در دهه‌های گذشته مطرح فرمودند، همچنان پابرجاست و به‌صورت غیرملموس و خرنده در حال سرایت به فرهنگ حاکم بر کشور است. چنانچه مدیریت فرهنگی کشور با این سیاست‌ها بخواد اداره شود، راه را برای تهاجم گسترده فرهنگ غربی باز کرده، و فرهنگ اسلامی و انقلابی به انزوا خواهد رفت، موضوعی که حیات انقلاب اسلامی به آن گره خورده است. در این فضای فرهنگی حاکم، ضروری

است با تکیه بر مدیریت فضای فرهنگی کشور براساس اصول و مبانی فرهنگ اسلامی و انقلابی فعالیت‌های فرهنگی جهت‌دهی و مدیریت شود و جامعه و مردم با برنامه‌های مدون و نظام‌مند به سمت تعالی فرهنگی سوق داده شوند.

۲-۳-۱. پاسخ‌گویی به نیازهای منطقه‌ای

در عرصه نیازهای منطقه‌ای باید گفت که در شرایط کنونی، انقلاب اسلامی توانسته است در منطقه راهبردی غرب آسیا، با نقش‌آفرینی در این منطقه و پدیدآوردن جریان‌های مقاومت و بیداری اسلامی، ایران را به قدرتی منطقه‌ای، با برخورداری از نفوذ بالا تبدیل کند. تأثیرگذاری ایران در کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین محور مقاومت اسلامی را تقویت کرده و رژیم صهیونیستی را در محاصره جبهه مقاومت قرار داده است. واقعیتی که این رژیم را مجبور ساخته برای غلبه بر آن دست همکاری به سوی رژیم‌های مرتجع عرب منطقه دراز کند. این سیاست منطقه‌ای اقتضاء می‌کند دولت تراز انقلاب اسلامی با اتخاذ راهبرد منطقه‌ای و اصولی خود این سیاست رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب منطقه را خنثی کند. ازسویی بهره‌گیری از بازارهای اقتصادی کشورهای منطقه از قبیل عراق، افغانستان، عمان و آذربایجان فرصت مناسبی برای اتکای دولت به توان داخلی شرکت‌های ایرانی برای در اختیار گرفتن این بازارها به منظور رونق چرخه اقتصادی کشور است. همچنین، در فضای منطقه‌ای الهام‌گیری جبهه اسلامی در یمن و بحرین از انقلاب اسلامی، رژیم آل سعود را در تنگنای سیاسی و تهدید منطقه‌ای قرار داده، این رژیم برای فرار از این شرایط می‌کوشد با ایجاد هیاهوی رسانه‌ای و دیپلماتیک چهره ایران را در منطقه و جهان تخریب کند، تلاشی که اقتضاء می‌کند دولت انقلابی بدون هیچ رعب و عقب‌نشینی به پیگیری منطقی مواضع جمهوری اسلامی و برهم‌زدن اتحادهای ساختگی رقبای منطقه‌ای به تحقق نظم مطلوب انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا کمک کند.

۳-۳-۱. پاسخ‌گویی به نیازهای بین‌المللی

در عرصه نیازهای بین‌الملل نیز انقلاب اسلامی دست‌کم با سه موضوع اساسی روبه‌روست و دولت‌مردان باید با باور و اعتماد به ظرفیت‌های درونی نظام با آن روبه‌رو شوند؛ این سه عبارت‌اند از: پیچ تاریخی که رهبر معظم انقلاب قبلاً مطرح ساختند و تحولاتی که در انتقال قدرت در نظام بین‌الملل در حال رخ‌دادن است؛ دوم، توجه به اصل استکبارستیزی و دشمن‌شناسی و سوم، تهدیدات و چالش‌سازی‌هایی که از سوی نظام غرب و امریکا برضد جمهوری اسلامی ایران در حال تشدیدسازی است.

در شرایطی که به گفته مقام معظم رهبری جهان در یک پیچ تاریخی بزرگ قرار گرفته، اقتضاء می‌کند که در این شرایط حساس بین‌المللی که جهان در حال ورود به دوره جدید است، دوره‌ای که در آن ما شاهد آزادی‌ملتها و حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی در جهان هستیم. دولت تراز دهه چهارم انقلاب اسلامی، بایستی با درک صحیح از این شرایط بین‌المللی، به اتخاذ سیاست‌های انقلابی و اسلامی همسو با بیداری ملت‌های جهان پرداخته و به دور از هرگونه سیاستی که نتیجه آن افتادن در دامن غرب و کشورهای بیگانه باشد، مواضع انقلاب اسلامی را در جهان ترویج و پیگیری کند. این شرایط ویژه که رهبر معظم انقلاب از آن به پیچ تاریخی یاد کردند، فرصت مغتنمی برای گسترش معنویت و اخلاق در عرصه جهانی است، هدفی که انقلاب اسلامی برای احیای آن شکل گرفت و در این شرایط حساس بایستی دولتی در تراز انقلاب اسلامی، این هدف مهم را در عرصه بین‌المللی پیگیری کند.

یکی دیگر از موضوعات مهم عرصه بین‌الملل، توجه به اصل استکبارستیزی است. این اصل که از شاخصه‌های اصلی هویت انقلاب اسلامی است، با تلاش برخی جریان‌های سیاسی و مسئولان در دهه حاضر، کم‌رنگ جلوه داده می‌شود. این جریان با این استدلال که ماهیت قدرت‌های مستکبر تغییر کرده و می‌توان با تعامل و روابط دیپلماتیک به منافع خود دست یافت، می‌کوشد اصل استکبارستیزی را بی‌اساس جلوه دهد؛ رویه‌ای که مقام معظم رهبری با هوشیاری کامل از این جریان با روشن‌سازی ماهیت استکبار جهانی و در رأس آن امریکا به عهدشکنی این کشور در برجام و اتخاذ سیاست‌های خصمانه در قبال ملت ایران اشاره کردند و نشان دادند که ماهیت استکبار هیچ تغییری نکرده است و همچنان استکبارستیزی به‌عنوان اصلی مسلم بایستی پیگیری شود. همچنین این سیاست در عرصه دولت باید به دست دولت‌مردان و رئیس‌جمهوری دنبال شود که فریفته وعده و وعیدها و لبخندهای مستکبران نشده، در مقابل بدعهدی‌ها و سیاست‌های خصمانه آنان چشم خود را

نبندهمچنین، یکی از نیازهای بین‌المللی انقلاب اسلامی در دهه چهارم، آمادگی برای مقابله با تهدیدات و چالش‌هایی است که کشورهای غربی و امریکا برضد جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کنند. این تهدیدات و چالش‌ها که به ماهیت انقلاب اسلامی در حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان و نیز مبارزه با ظالم و استکبار جهانی باز می‌گردد، در عرصه مبارزه دو جبهه حق و باطل تعریف می‌شود و مسائلی از قبیل دستیابی به بمب هسته‌ای برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی بهانه‌ای بیش نیست و به تعبیر مقام معظم رهبری بعد از آن موضوعاتی چون توان موشکی، حقوق بشر و حمایت از مقاومت اسلامی بهانه‌هایی در دست امریکا و غرب برای اعمال فشار و تهدید برضد ایران خواهد بود؛ از این‌رو، توجه به این مهم و استمرار دشمنی‌های غرب برضد ایران موضوعی است که بایستی به یک باور در میان دولت‌مردان تبدیل شده باشد و در مقابله با این تهدیدات و فشارها برنامه‌هایی مدون و مؤثر تهیه و اجرا شود. که این مهم لازمه یک دولت با مدیریت کارآمد جهادی و انقلابی است و البته مسیر مقابله هم از افزایش کارآمدی داخلی و پاسخگویی به نیازهای مردم و افزایش رضایتمندی می‌گذرد که حل مسائل اقتصادی و در رأس آن رونق و ایجاد فرصت‌های شغلی است

ملاک‌های انتخاب دولت‌مردان در تراز دهه چهارم انقلاب اسلامی

۱. عدالت توأم با معنویت و عقلانیت

یکی از ملاک‌های اساسی انتخاب دولت‌مردان، دولت تراز دهه چهارم انقلاب، عدالت توأم با معنویت و عقلانیت و انقلابی است. چنانچه رهبر معظم انقلاب فرمودند:

در عدالت، هم عقلانیت بایستی مورد توجه باشد، هم معنویت. این را ما قبلاً هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی. خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند؛ دوم، عقلانیت. اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد. معیار عدالت‌محوری در تعیین کارگزاران نظام در سطوح قوه مجریه مهم‌ترین عامل ایجاد شرایط ایده‌آل در کشور است. امیرمؤمنان علی(ع) نیز عدالت را ملاک و میزان سیاست و مایه استواری آن می‌داند «ملاک السیاسة العدل». و بدرستی که "ان افضل قره عین الولاة استقامه العدل فی البلاد."

(بی‌گمان آنچه بیش از همه، دیده‌وایان به آن روشن است، برقراری عدالت در کشور است.)

در این کلام حضرت علی(ع) از عدالت به قره عین (نور دیده) برای حکومت یاد می‌کند که در اصل، آرامش‌یافتن دیدگان است و به معنای آرامش‌یافتن انسان.

ضرورت توجه به این ملاک، هم از نظر تحقق دولت اسلامی است و هم ناشی از شرایط موجود و روندی است که جامعه سیاسی تاکنون طی کرده است؛ دهه چهارم انقلاب به سبب بروز یک‌سری انحرافات فکری و اخلاقی، رسوخ اشرافی‌گری و عافیت‌طلبی و کندروی و تندروی، روی آوری دولت‌مردان به سیاست‌های اقتصادی رشدمحور و اولویت‌یابی توسعه(اقتصادی یا سیاسی) بر عدالت اجتماعی، همچنین، نفوذ کارگزاران تکنوکرات که فن‌سالاری را بر ارزش‌محوری مقدم می‌دارند، بازنگری در ملاک‌های انتخاب کارگزاران را ضرورت بخشیده است؛ در صورتی که پس از پایان جنگ تحمیلی ویژگی عدالت‌محوری توأم با معنویت و عقلانیت، ملاک عمل در انتخاب کارگزاران قرار می‌گرفت. تا کنون با مشکلاتی این‌چنینی مواجه نبودیم، این درحالی است که با شکل‌گیری جریان سازندگی که توسعه اقتصادی را بر عدالت مقدم داشت و سپس جریان اصلاحات که توسعه سیاسی را بر عدالت و اقتصاد تقدم بخشید و نیز دوره احمدی نژاد که عدالت را با معنویت و عقلانیت توأم نکرد، دوره اعتدال نیز شرایط دو دوره سازندگی و اصلاحات را در پیش گرفت که باعث شد تا در هریک از این چهار دوره، عدالت، معنویت و عقلانیت به نوعی فدای یکدیگر شوند و از این رهگذر دولت اسلامی مدنظر امام و رهبری شکل نگیرد و درعین حال جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شود؛ از جمله سیاست‌های رشدمحور که باعث افزایش فاصله طبقاتی، اجرای خصوصی‌سازی به تضییع بیت‌المال و تحقق بی‌عدالتی شد و نیز نداشتن نظارت و سامان‌دهی نظام بانکی که منجر به رانت‌خواری و واگذاری

وام‌های کلان بدون بازگشت و گسترش بی‌عدالتی پولی، پیگیری نکردن نظام شفاف‌سازی در زمینه‌های پولی و مالی، گمرکی، استخدامی، زمین و املاک و ... که منجر به دریافت حقوق‌های نجومی، آفت چندشغلی، فرار مالیاتی، سوءاستفاده در زمینه واردات و صادرات کالا، برخورداری از ثروت‌های هنگفت، زمین‌خواری و اموری از این قبیل شده که همه به بی‌عدالتی در جامعه دامن زده است. این درحالی است که مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم و وجود آفت‌هایی چون اشرافی‌گری و عافیت‌طلبی به تحقق نیافتن کامل عدالت در جامعه باز می‌گردد و ضروری است در این شرایط مردم و مسئولان کشور به دنبال تحقق دولتی باشند که در تراز دهه چهارم انقلاب عزم خود را در یک سیاست‌گذاری کلان جزم کرده و با رویکردی درست به تحقق عدالت در عرصه‌های مختلف جامعه بپردازد و راه‌ها و منافذ گسترش بی‌عدالتی در سطح جامعه را مسدود کند.

۲. حافظ فرهنگ اسلامی

درخصوص نظریه‌های دولت سه رویکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که در هر نظریه‌ای، یکی از این رویکردها حاکم است؛ برای مثال، در اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی از دولت، نگاه اقتصادی حاکم بوده، در این نظریه به دولت با رویکردی اقتصادی نگاه می‌شود. اما سخن اینجاست که دولت در اندیشه و مبانی اسلام چه رویکردی دارد؟

با بررسی اصول و مبانی اسلام می‌توان گفت رویکرد کلان دولت اسلامی، فرهنگی است و در وظیفه دولت اسلامی در برپایی شعائر، احکام اسلامی، اجرای حدود الهی و تعلیم و تربیت نمود پیدا می‌کند. البته این سخن نافی دیگر نقش‌های دولت اسلامی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه همان‌طور که بیان شد، روح حاکم بر دولت اسلامی فرهنگی است؛ به عبارت دیگر، تلاش‌های اقتصادی و اجتماعی نیز در بستر فرهنگ اسلامی بایستی انجام پذیرد و در تعارض با آن نباشد؛ از این‌روست که پیامبر اسلام (ص) بر این رویکرد کلان اهتمام لازم داشتند که تاریخ صدر اسلام شاهدی بر این مدعاست، به‌طوری که آن حضرت بر پای نماز را یکی از شعائر اسلامی و از امور ولایی و حکومتی می‌دانستند و افرادی را برای برگزاری نماز جماعت، همانند قضاوت نصب می‌کردند، لذا وقتی رسول خدا (ص) فرماندهی را اعزام می‌نمود، اقامه نماز را نیز برای او قرار می‌داد.

با نگاه به تاریخ انقلاب اسلامی و ارزیابی دولت‌های شکل گرفته در طول سال‌های پس از انقلاب، آنچه در میان همه آن‌ها وجه اشتراک داشت، بی‌توجهی و اهتمام لازم نداشتن به فرهنگ جامعه بوده است. اتخاذ این رویکرد ریشه در غفلت از مبانی و اصول اسلام درباره اهمیت موضوع فرهنگ و همچنین توجه به مسائل اقتصادی به عنوان دغدغه مشترک تمامی دولت‌ها دارد. این توجه صرف به مسائل اقتصادی باعث شد موضوع مهم فرهنگ مغفول ماند و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب در این عرصه در طول سال‌های بعد از انقلاب نشود. این بی‌توجهی در شرایطی رقم می‌خورد که همگان بر این امر اتفاق نظر دارند که انقلاب اسلامی ایران انقلابی فرهنگی بود و درصدد برآمد تا الگوی تازه‌ای از فرهنگ اسلامی را به جهان ارائه کند. این امر در شرایطی است که در دهه چهارم انقلاب با اتخاذ برخی از سیاست‌گذاری‌ها، شاهد فاصله گرفتن از فرهنگ اسلامی و انقلابی در جامعه هستیم و آفت‌هایی چون اشرافی‌گری، عافیت‌طلبی، ارزش‌گریزی و کم‌توجهی به ظرفیت‌های درونی گریبان‌گیر جامعه شده است. ضرورت رفع این معضلات و آفت‌ها در کنار ویژگی فرهنگ‌محوری دولت اسلامی اقتضاء می‌کند که دولت در تراز انقلاب، به فرهنگ و ابعاد مختلف آن توجه لازم را داشته باشد و در سایه این اصل حاکم بر نظام اسلامی به اقدامات دیگر از جمله اقتصاد بپردازد.

۳. تقوای الهی

یکی از ریشه‌های مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، کاهش تقوای الهی در بین کارگزاران نظام، از جمله قوه مجریه است. تقوا نیرویی درونی است که انسان را از همه آفات و معاصی نگه می‌دارد و او را در برابر لغزش‌ها محکم و استوار می‌سازد. تقوا در همه شئون زندگی، به‌ویژه مسائل سیاسی و اداری جامعه، بسیار کارساز است و دولت‌مردی که از آن

برخوردار باشد، درمقابل لغزش‌هایی چون، خیانت به نظام و مردم، دست‌اندازی به بیت‌المال، رشوه‌خواری، کم‌کاری و بی‌توجهی و اموری از این دست، مقاوم خواهد بود.

براساس روایات اهل‌بیت (علیهم السلام) دنیاطلبی و دل‌بستگی به آن سرمنشاء تمامی لغزش‌ها و انحرافات است. «حب الدنیا راس کل خطیئه» این آفت که به شدت کارگزاران و دولت‌مردان را تهدید می‌کند، مانع تحقق دولت اسلامی است و با توجه به اهمیت آن باید دقت شود کارگزاران نظام اسلامی به گونه‌ای برگزیده شوند که بر اثر تربیت‌های دینی با بی‌اعتنایی به دنیا در پی انجام وظایف محوله باشند. همچنان که امیر مؤمنان علی (ع) همواره به زهد و دل‌نبستن به دنیا دستور می‌داد و می‌فرمود: «از دنیا بپرهیزید، زیرا دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است.»

به دلیل این اهمیت است که حضرت علی (ع) زمامداران حکومتی را به رعایت تقوا دستور می‌داد و در نامه خود به مالک اشتر، او و دیگر کارگزاران را به پرهیزکاری و انجام فرایضی الهی سفارش می‌کرد تا در آشکار و نهان از خدا بترسند و نافرمانی او را مرتکب نشوند. بهره‌گیری از افرادی که در گذشته سوابق مطلوبی داشتند و درمقابل، پرهیز از انتخاب افرادی که گذشته نامطلوبی در کارنامه خود دارند، ملاک مناسبی برای انتخاب افراد شایسته است و به شکل‌گیری مقدمات دولت اسلامی کمک شایانی می‌کند. حضرت علی (ع) نیز با توجه به این مهم در توصیه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «بدترین وزیران تو، کسانی هستند که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته‌اند. مبدا چنین افرادی محرم راز تو باشند؛ چون آنان یاوران گناهکاران و یاری دهندگان ستمکاران‌اند.»

۴. روحیه جهادی و خدمت‌گزاری بی‌منت

در شرایط کنونی انقلاب اسلامی که روحیه عافیت‌طلبی در میان مسئولان جامعه گسترش یافته، برخورداری از روحیه جهادی در عرصه مدیریت جامعه، امر ضروری و لازم است. موضوعی که رهبر معظم انقلاب نیز بارها به آن سفارش کرده‌اند. در این دهه از انقلاب که بسیاری از پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام باقی‌مانده و مردم از مشکلات معیشتی رنج می‌برند و اقتصاد کشور در حالت رکود قرار داد، تنها روحیه جهادی می‌تواند به مدد حل این شرایط بیاید و رئیس‌جمهوری در این عرصه موفق است که از روحیه جهادی به شکلی مجاهدانه بهره گیرد و در عرصه تلاش و کوشش گام بردارد و به همراه بدنه دولت به خدمت‌گزاری بی‌منت اقدام بورزد.

۵. برخورداری از روحیه انقلابی

برخوردار از روحیه انقلابی یکی از ضرورت‌های دهه چهارم انقلاب اسلامی است، ضرورتی که مقام معظم رهبری نیز در ماه‌های اخیر بر آن تأکید بسیار کرده‌اند. از منظر رهبری روحیه انقلابی، خود ویژگی‌هایی چون ایستادگی و ثبات در اصول انقلاب اسلامی و پاسداری از آن، پاک‌دستی و ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی، استکبار ستیزی و مرزبندی با دشمن، دفاع از اقتدار و امنیت ملی، اعتماد به مردم و صداقت، شجاعت در اقدام و آمادگی برای ایثار، برخورداری از سلامت اخلاقی و فکری و مبارزه با فقر، فساد و تبعیض دارد. همه شاخصه‌های ذکر شده از روحیه انقلابی، به روشنی ناظر بر شرایطی است که انقلاب اسلامی در دهه حاضر با آن روبه‌روست. شرایطی که اقتضاء می‌کند، رئیس دولت اسلامی با برخورداری از ویژگی مبارزه با فقر، فساد و تبعیض، موجبات رفع مشکلات معیشتی مردم و موجبات بهره‌مندی توده‌های مردم از منابع عمومی بیت‌المال و بانکی را بالسویه فراهم سازد و به رونق اقتصادی کمک کند؛ از جمله، داشتن ویژگی ساده‌زیستی که اشرافی‌گری رسوخ کرده در میان دولت‌مردان را به حاشیه راند و با آن مبارزه کند، برخورداری از ویژگی اعتماد به مردم که روحیه برون‌گرایی حاکم میان مسئولان را تضعیف کند و اعتماد به توان داخلی را جایگزین آن سازد و نیز ویژگی استکبارستیزی و مرزبندی با دشمن که به نظم‌بخشی منطقه‌ای انقلاب اسلامی و به ایفای نقش مؤثر آن در شرایط حساس کنونی جهان کمک شایانی خواهد کرد.

۶. ولایت‌مداری

در حکومت اسلامی که ولیّ فقیه محور جامعه و رهبری آن را بر عهده دارد، تمامی مسئولان و دولت‌مردان همانند توده‌های مردم بایستی تحت رهبری ولیّ فقیه، ولایت‌پذیر بوده و در این مسیر گام بردارند و از هرگونه رفتار و عملکردی که نفی‌کننده ولایت‌پذیری باشد، بپرهیزند. ضرورت این مهم در مقام رئیس دولت اسلامی که اداره امور اجرایی کشور را به عهده دارد، دوچندان است.

بررسی عملکردهای دولت‌هایی که از ابتدای انقلاب روی کار آمده‌اند، نشان می‌دهد که همه آن‌ها ضمن اینکه عملکرد مثبتی دارند و خدمات ارزشمندی را در حرکت انقلاب اسلامی داشته‌اند، در عین حال عملکرد منفی و در تعارض یک دولت در تراز انقلاب نیز داشته‌اند. واکاوی این عملکردهای منفی عموماً به بی‌توجهی یا بی‌اعتنایی به رهنمودها و ایده‌های رهبری بر می‌گردد؛ درواقع عمل به رهنمودها و فرامین به‌عنوان اولویت اول برنامه‌های کاری دولت‌ها می‌توانست مؤلفه‌های درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف، از جمله در زمینه اقتصادی ارتقاء دهد؛ برای نمونه، توصیه راهبردی که ولایت امر در زمینه کاهش وابستگی به نفت به دولت‌های سازندگی، اصلاحات، احمدی‌نژاد و اعتدال داده‌اند، در صورت عملیاتی‌شدن آن امروزه تحریم‌های اقتصادی و نفتی به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست اقتصاد کشور را با مشکلات مواجهه سازد.

۷. نقدپذیری و برخورداری از شرح صدر

یکی از ویژگی مسئولان حکومتی از دیدگاه اسلام برخورداری از روحیه مدارا و نقدپذیری است، بهره‌گرفتن از این ویژگی مهم متأسفانه در سال‌های اخیر کم‌رنگ شده است، هرچند دولت‌مردان در گفتار از آن استقبال می‌کنند، اما تجربه نشان داده است که در مقام عمل، برای تخریب و کنار گذاشتن منتقدان و مخالفان دلسوز گام برداشته شده است. برای رفع این معضل، ضرورت دارد رئیس دولت اسلامی در مقام بالاترین شخصیت در حوزه اجرایی کشور، خود مزین به این ویژگی در گفتار و عمل باشد و کارگزاران خود را نیز به این مسیر هدایت کند.

۸. مبارزه جدی با فقر، فساد و تبعیض

دولت در تراز انقلاب اسلامی با فقر و فساد و تبعیض در تعارض است. وجود این سه‌گانه، فلسفه وجودی دولت تراز را از بین می‌برد. رهبر معظم انقلاب برای پیشگیری از فساد، فقر و تبعیض از زمان آغاز دوران سازندگی هشدارهای زیادی داده‌اند که این هشدارها در دوره اصلاحات صراحت بیشتری داشت. معظم له در یکی از بیانات خود فرمودند:

بنده باز هم با صدای بلند اعلام می‌کنم که مسئولان کشور - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه - باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور را، وضع معیشت مردم را، وضع عزت بین‌المللی ما را تأمین کنند، راهش مبارزه با همین‌هاست. انواع و اقسام فسادها را باید شناسایی کنند و با آن مبارزه جدی نمایند؛ نه در حرف و زبان. البته بعضی هستند که در زبان هم طاققت نمی‌آورند این حرف‌ها گفته شود؛ با اصل مبارزه با فساد و تبعیض و فقر مخالفت می‌کنند! این افرادی که در مقابل مبارزه با فقر و فساد و تبعیض موضع‌گیری می‌کنند، بدون اینکه خودشان متوجه باشند، خود را متهم می‌کنند. چه کسی با مبارزه با فقر و فساد و تبعیض مخالفت است؟ آن کسی که یا باید فاسد باشد و یا باید فریب فاسدی را خورده باشد. چه کسی با مبارزه با تبعیض مخالفت است؟ آن کسی که یا باید از تبعیض منتفع باشد یا فریب کسی را که از تبعیض منتفع است، خورده باشد؛ و الا چرا باید مخالفت کند. در صورتی که اگر رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در دوران سازندگی، اصلاحات و حتی در دوره احمدی‌نژاد و دوره اعتدال توجه جدی می‌شد؛ بی‌تردید امروز با اختلاس‌های کلان، حقوق‌های نجومی و ثروت‌های بادآورده برخی افراد و در نتیجه شیوع فساد اقتصادی و اخلاقی و شکاف برخورداران و داراها و غیربرخورداران و ندارها روبه‌رو نبودیم. جالب اینکه، مقام معظم رهبری پس از شناسایی فساد سه هزار

میلیاردی اعلام کردند، اگر به آن فرمان مبارزه با مفاسد اقتصادی عمل می‌شد، این اتفاق امروز در کشور بروز نمی‌کرد. در دولت اعتدال نیز وقتی «همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» برگزار شد. رهبر انقلاب اسلامی در مرقومه‌ای به دولت، یک‌بار دیگر پیام شفاف ضرورت مبارزه با فساد را اعلام کردند و به رؤسای سه‌قوه تذکر دادند:

نفس اهتمام آقایان به امر مبارزه با فساد را تحسین می‌کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه‌قوه روشن نیست؟ چرا اقدام قاطع و اساسی در امر مبارزه با فساد انجام نمی‌گیرد؟ ...توقع من اجرای تصمیمات قاطع، عملی و بدون ملاحظه در مبارزه با فساد است. بنابراین، اکنون که به پایان دهه چهارم نزدیک شده‌ایم، این مطالبه جدی و عمومی مردم است که دولت تراز انقلاب که باید در آن مبارزه با فقر، فساد و تبعیض در اولویت برنامه‌ها باشد، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. با فساد مبارزه جدی بشود، با ویژه‌خواری مبارزه جدی بشود، با قاچاق مبارزه جدی بشود؛ این‌ها دارد به اقتصاد کشور لطمه می‌زند و ضررش را مردم می‌برند. اگر ما درمقابل آن مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زدوبست‌هایی در زمینه مسائل اقتصادی ویژه‌خواری می‌کنند، خودشان را از امتیازات ویژه برخوردار می‌کنند یا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادی می‌شوند، سهل‌انگاری کنیم، قطعاً کشور ضرر خواهد کرد؛ نباید سهل‌انگاری بشود.

۹. مقاوم و بی‌اعتماد به دشمن

دولت اسلامی در عصر کنونی و در پایان دهه چهارم انقلاب، نیازمند به افزایش ایمان خود به قدرت لایزال الهی و توکل به او، اعتماد به نفس، اعتماد به ظرفیت‌های درونی و بی‌اعتمادی مطلق به مستکبران است. اگر این معیار در انتخاب دولت‌مردان رعایت نشود، نباید انتظاری داشت که دولت‌مردان منتخب رویکرد برون‌گرایی و انفعالی در برابر فشارها و تهدیدات نداشته باشند و حل همه مشکلات را در بیرون و توسل به قدرت‌های خارجی جست‌وجو نکنند، درواقع به بیان رهبر معظم انقلاب، «نقطه مقابل اعتماد به نفس، خودکم‌بینی است؛ خودکم‌بینی درمقابل فکر یک جناحی از ملت‌های عالم - که امروز غرب مظهر آن است - خودکم‌بینی در مقابل فلسفه آن‌ها، خودکم‌بینی درمقابل علم آن‌ها، حتی خودکم‌بینی درمقابل الگوهای توسعه ملی که آن‌ها پیشنهاد می‌کنند.» رهبر معظم انقلاب این ویژگی و معیار را جزو خطوط فکری مکتب امام(ره) می‌دانند:

یکی از اصول امام(ره) اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه مقابل، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی است. این یکی از اجزای مکتب امام(ره) است. اتکال به قدرت الهی. خدای متعال وعده داده است به مومنین و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خداوند لعن شده‌اند «لعن الله علیهم و... غضب الله علیهم».

بنابه فرموده رهبر معظم انقلاب اعتقاد به وعده الهی و صدق وعده الهی از ارکان تفکر امام(ره) است که باید به آن اعتماد و اتکال کرد. نقطه مقابل به دلخوش‌کنک‌های مستکبران و قدرت‌های جهانی مطلقاً نباید اعتماد کرد. این در عمل و رفتار و بیانات امام(ره) به‌طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او موجب می‌شد که امام(ره) بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام(ره) با صراحت صحبت می‌کرد. آنچه مورد اعتقاد او بود صریح بیان می‌کرد چون اتکال به خدا داشت نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها عصبانی می‌شوند. می‌دانست، اما به نصرت الهی باور داشت.

۱۰. ضد اشرافی‌گری

یکی دیگر از معیارهای اساسی و ضروری انتخاب دولت‌مردان، نداشتن روحیه عافیت‌طلبی خود و اطرافیان و همکاران است. امروزه روحیه اشرافی‌گری در بسیاری از مراکز نفوذ و رخنه کرده است و به یکی از معضلات و چالش‌های جدی نظام تبدیل شده است. به‌گونه‌ای به‌صورت موریانه مشروعیت نظام را از بین می‌برد. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدید، دچار مادی‌گرایی شدید؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری یواش‌یواش از قبح افتاد. وقتی ما این‌جور شدیم، این سرریز می‌شود به مردم. میل به اشرافی‌گری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به‌طور طبیعی در خیلی از انسان‌ها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز

می‌شود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافی‌گری و اسراف و زیاده‌روی را - که واقعاً بلای بزرگی است - از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمی‌شود؛ که از یک طرف بگوییم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرف‌های ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوش‌بختانه هست. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف کم کرده‌اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید.

۱۱- مدیریت کارآمد

مدیر و مسئول دلسوز و کارآمد می‌تواند منشأ تحولات شگفتی ساز شود و در مقابل مدیر و مسئول ناکارآمد و خسته می‌تواند مجموعه‌ای را فشل نماید. مسئله اصلی کشور ما که می‌تواند تحریم دشمن را خنثی و به افزایش قدرت ملی کمک کند، مدیریت کارآمد است. اگر امثال شاه سلطان حسین‌ها در رأس باشند نه تنها نمی‌توان تهدید دشمن را دفع کرد، بلکه تشدید فشار، محاصره و تحریم نیز محتمل و به افزایش جسارت دشمن نیز منتهی خواهد شد. اما با وجود نادرشاهی که دارای همت بلند و تحرک میدانی جلوتر از نیروها باشد می‌توان به رفع تصرف‌ها اقدام کرد و مجدداً شاهد شکوفایی و آبادانی بود. همانگونه که مقام معظم رهبری در فرمایشات نوروزی حرم رضوی، در پیامی، به صراحت در رابطه با نحوه حل مسائل اقتصادی فرمودند؛ گماشتن مدیران کارآمد، متعهد، بانشاط، پرانگیزه و قوی از جانب مسئولان ارشد کشور برای بخش‌های تولید یکی از این الزامات است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی سال‌های اخیر به ترسیم پنج گام پیشرفت و تحقق کامل ارکان انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی) پرداخته‌اند. ایشان توقف کشور در مرحله دولت سازی را مهم‌ترین عامل عدم تحقق گام‌های بعدی دانسته و با مرور تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی یادآور می‌شوند: انقلاب «وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است». گام دومی که باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی «به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)» برداشته شود. آنچه در طی ماه‌های اخیر و در پی تشدید فشار همه‌جانبه اقتصادی و جنگ نرم و عملیات روانی دشمن اهمیت یافته و تحقق دولت تراز اسلامی را الزامی‌تر می‌کند، هدف‌گذاری دشمنان در ناکارآمد سازی و یا ناکارآمد نمایی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد فاصله میان مردم با نظام است تا از این طریق به اهداف خود در براندازی و یا تسلیم و به سازش کشاندن نظام دست یابند. تلاش در رفع مشکلات معیشتی مردم و رفع آسیب‌ها و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی که از بستر یک دولت توانمند و پرتلاش امکان‌پذیر است، در عین تحکیم و تقویت اعتماد ملی و افزایش سرمایه اجتماعی نظام، مؤثرترین اقدام در شکست راهبرد دشمنان است.

نکته دیگری که اهمیت شکل‌گیری دولت تراز اسلامی را در این شرایط الزامی‌تر می‌کند، دستاوردهای کشور در عرصه دفاعی و امنیتی و حتی رونق اقتصادی پس از برداشتن گام‌های نخستین در اجرای استراتژی مقاومت فعال است. تحولات اخیر در عرصه دفاعی امنیتی که اقتدار دفاعی و قدرت بازدارندگی نظام را بر دشمنان تحمیل و تراز نظام اسلامی را در جهان ارتقاء داد و دستاوردهای شیرینی را در تحکیم اقتدار ملی و ایجاد انسجام اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی نظام به ارمغان آورد، گواه دیگر بر امکان‌پذیری تحقق دولت تراز اسلامی و پیشرفت کشور در سایر عرصه‌هاست.

الزامات و نکات کلیدی در مسیر تحقق دولت تراز انقلاب

ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسیار گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است. اکنون، ادامه راه انقلاب نسبت به آنچه طی شده، دشواری‌هایش کمتر است. در مسیر اداره امور کشور، مشکل حل‌نشده وجود ندارد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است، چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد.

به‌رغم شرایط تحریم اقتصادی، مشکل اصلی در اداره امور کشور و معیشت مردم، مدیریتی است. کشور هر جا دچار مشکل شده، مربوط به عقب‌نشینی از ارزش‌های انقلابی توسط مسئولان بوده است. در عین پاسداشت زحمات نسل‌های اولیه انقلاب، اتکا برای ادامه راه باید روی نسل جوان و انقلابی باشد.

مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت دهند و از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند. اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسیار بیشتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. فرصت‌های مادی کشور در عرصه منابع معدنی و انرژی و... فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی، دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند.

ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید.

دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد (درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت و... برسند) دوران پیش‌رو، باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جمهوری اسلامی نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است.

دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی بالیمان و جهادگر و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است.

عزت جمهوری اسلامی تنها با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست می‌آید.

ویژگی‌های یک دولت در تراز گام دوم انقلاب اسلامی

مبتنی بر این نکات و انتظارات، ویژگی‌های دولت تراز گام دوم انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: التزام عملی به شعارهای انقلاب و حمایت از جریان انقلابی، تهیه برنامه‌های اجرایی برای تحقق اقتصاد مقاومتی و پیگیری اجرای آن با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، مقابله با هرگونه رانت‌خواری و فساد اداری و اقتصادی، نظارت دقیق بر عملکرد دستگاه‌ها برای جلوگیری از شکل‌گیری کانون‌های فساد خیز، دل‌بریدن از بیگانگان و اتکا به درون، جوان‌گرا و زمینه‌ساز برای حضور جوانان، باورمند به مبانی نظام اسلامی و با روحیه انقلابی، مدیریت جهادی با تلاش مجاهدان و خدمات شبانه‌روزی، پاسدار آزادی و استقلال و عزت ملی و ترویج‌کننده سبک زندگی اسلامی و ایرانی، پاک دستی و ساده زیستی، عدم حاکم شدن نگاه مادی به مقام و مسئولیت، اهتمام به حفظ ارزش‌های انقلاب، رعایت بیت‌المال و جلوگیری از حیف‌ومیل آن، عمل به قانون اساسی و وفاداری به تعهدات ناشی از سوگند به قانون اساسی، بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها برای کمک به نیروهای جبهه مقاومت التزام عملی به شعارهای انقلاب و حمایت همه‌جانبه از نیروهای انقلابی نخستین ویژگی دولت انقلابی است، در این باره دولتمردان باید به شعارهایشان عمل و از همه جریان‌های انقلابی حمایت کنند همچنین تهیه برنامه‌های اجرایی برای تحقق اقتصاد مقاومتی و پیگیری اجرای قدرتمندانه دومین ویژگی دولت اسلامی است که در این باره دولتمردان باید بصورت جدی برای تحقق مطالبات رهبرانقلاب تلاش کنند.

نیازهای انقلاب و نظام اسلامی در دهه پنجم چیست؟

وقتی صحبت از نیازهای انقلاب در یک مقطع زمانی می‌شود؛ برای احصای این نیازها باید به موقعیت انقلاب از منظر فرآیند تکاملی انقلاب، موقعیت انقلاب در منطقه و جهان، شرایط و مسائل داخلی کشور و نظام توجه کرد. از منظر فرآیند تکاملی انقلاب، براساس مراحل پنج‌گانه مطرح شده از سوی رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی در مرحله سوم، یعنی مرحله دولت‌سازی اسلامی قرار دارد. بدیهی است برای ورود به مرحله چهارم و مرحله پنجم (به عنوان آخرین مرحله)، باید از مرحله سوم، یعنی ساخت دولت اسلامی عبور کرد. همان‌طور که اشاره شد، قوه مجریه در ساخت دولت اسلامی، نقشی اساسی و بی‌بدیل دارد. بنابراین، یکی از شاخص‌های دولت تراز دهه پنجم، آن است که این دولت با رویکردهای اسلامی و انقلابی، بتواند به ساخت دولت اسلامی به معنای عام کلمه کمک کند. از دیگر نکات کلیدی در تعیین شاخص‌ها برای دولت تراز دهه پنجم، مسائل اساسی در دو حوزه سیاست خارجی و شرایط داخلی کشور است.

اکنون انقلاب اسلامی توانسته در منطقه راهبردی غرب آسیا، با پدید آوردن جریان‌های مقاومت و بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه‌ای، با برخورداری از نفوذ بالا تبدیل کند. دولت تراز دهه پنجم، دولتی است که این موقعیت بسیار ارزشمند را درک کرده، قادر به تثبیت این موقعیت با فراهم ساختن الزامات آن باشد.

حکمرانی دولت اسلامی بر مبنای نظری حکمرانی ولایی

در خصوص حکمرانی دولت اسلامی و رابطه حکمرانی حکمرانی ولایی همان تعارضی که بین اسلام و مدرنیته وجود دارد، همان تعارض بین حزب و حکومت ولایی هم وجود دارد است زیرا حزب اسلامی و بارور شده در دایره عقلانیت اسلامی مد نظر باشد ارتباط وثیقی بین حکمرانی ولایی و چنین تشکلهایی برقرار می‌شود.

خاستگاه، تعریف و جایگاه حکمرانی ولایی آن در اندیشه اسلامی و نظام ولایی

اسلام دین اجتماعی است، به اصلاح و آبادانی دنیا و آخرت، به فرد و جامعه می‌اندیشد بخش اعظم آموزه‌های اسلام از نوع سیاسی و اجتماعی هستند. به قول حضرت امام اسلام همه چیزش سیاست است. با رجوع به اسلام می‌توان نیازهای اجتماعی جوامع را در شرایط مختلف کشف و استخراج کرد. البته این کار در صورتی قابل انجام است که اعتقاد عمیق به اسلام و توانمندی‌های آن وجود داشته باشد و نیز باید روحیه اجتهاد و تحقیق، نوع‌آوری و خودباوری به وجود آمده باشد، با روحیه تقلیدی و غرب‌گرایانه انجام این مهم میسر نخواهد شد.

تشکل‌های اسلامی که البته همگی آنها ذیل حزب الله جای می‌گیرند. اهداف اسلامی را تعقیب خواهند کرد و لزوماً از روش‌هایی استفاده خواهند کرد که مورد تأیید اسلام است. این تشکل‌ها قدرت‌محور نخواهند بود، بلکه تکلیف‌محور خواهند بود. آنها باید‌ها و نباید‌هایشان را از اسلام می‌گیرند، ملتزم به شریعت و اخلاق هستند. برای آنها حتی اگر هدف مقدس باشد، توجیه‌کننده وسیله نخواهد بود. آن‌ها هم به سعادت دنیا و هم آخرت جامعه اسلامی می‌اندیشند. از جهاتی این تشکل‌ها بازوان مشورتی و چشم‌های تیزبین حکومت اسلامی به شمار می‌روند. نقد و نظارت سازنده را از اصول و وظایف خود به شمار می‌آورند.

تشکل‌ها اسلامی اختلاف مبنایی ندارند، همه حزب الله هستند، اختلاف آنها روشی است. از فرمایشات معصومین، به ویژه علی (ع)، استفاده می‌شود تشکل‌های اسلامی ویژگی‌های ذیل را دارا هستند:

(۱) ملتزم به خدمت، جهاد و فداکاری هستند؛ تشکل اسلامی، تشکلی است که به دنبال خدمت به دین، خدمت به جامعه و خدمت به نظام اسلامی است. به همین جهت اهل فداکاری و ایثار است. حکومت را برای خود نمی‌خواهد، بلکه برای خدمت می‌خواهد.

(۲) نگاه امانتی به قدرت دارند و نه نگاه طعمه‌ای؛ حریص و تشنه قدرت نیستند. اصالتی برای قدرت قائل نیستند تا برای به دست آوردن و حفظ آن اصول اخلاقی و شرعی را نایده بگیرند، نگاهشان به قدرت نگاه ابزاری و امانتی است.

پس اصل نگاه امانتی به قدرت و پرهیز از قدرت گرایی یکی دیگر از اصول حزب اسلامی است؛ حزب اسلامی نباید قدرت گرا باشد. حزب اسلامی اساساً هدفش رسیدن به قدرت نیست، اصلاً محتوای سیاست در اسلام، هدایت است. لذا می‌فرماید که در رأس سیاست باید ائمه معصومین (ع) باشند و در زمان غیبت باید ولی فقیه باشد. چرا؟ چون عنصر اصلی اش هدایت است، هادیان امت ائمه (ع) و بعدش فقها هستند در زمان غیبت؛ ولی در عرصه مدرنیته، عنصر سیاست قدرت است، متناسب با آن، عنصر حزب هم قدرت گرایی است.

(۳) بازوان مشورتی و آموزشی ولی فقیه هستند؛ اگر در اندیشه مدرن، محور سیاست قدرت است، در اندیشه اسلامی، محور سیاست، هدایت به سوی الله است، متناسب با این نگرش، حزب اسلامی هم سهمی در این هدایت باید داشته باشد. یعنی حزب اسلامی حزبی است که به عنوان بازوی مشورتی در خدمت نظام اسلامی است. به عنوان یک بازوی مشورتی برای رهبری عمل می‌کند، به عنوان بازوی آموزشی عمل می‌کند، اینکه مردم را بصیرت ببخشد و نخبگان سیاسی را متناسب با نیازهای جامعه بخواهد تربیت کند، هدفش این است و لذا شناسایی و تربیت انسان‌های صالح و شایسته برای تصدی مناصب نظام اسلامی را وظیفه خود می‌داند.

(۴) حق‌گرا هستند نه گروه‌گرا؛ برای آنها حق، عدالت و کارآمدی نظام اسلامی مهم است. به دنبال تحمیل نظر خود و به کرسی نشاندن نظر خود به هر قیمتی نیستند، اگر احساس کنند، نظر و یا نامزد حزب رقیب بر نظر و نامزد خود ارجحیت دارد، از آن استقبال می‌کنند. به همین جهت شاکیه حزب اسلامی سیال است. به دنبال یافتن و شناساندن بهترین‌ها است.

(۵) بر عهد‌ها و پیمان‌هایش استوار هستند. زیرا پای بندی به پیمان‌ها دستورات اکید خداوند است و از نشانه‌های مومن به شمار می‌رود: *الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ*؛ آنها که به عهد الهی وفا می‌کنند، و پیمان را نمی‌شکنند... (الرعد، ۲۰) *وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ*؛ و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می‌کنند؛ (المؤمنون، ۸) *بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ*؛ آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد؛ زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (آل عمران، ۷۶).

(۶) بر اساس اصول مهم امر به معروف و نهی از منکر در ترویج معروف‌ها و پالایش منکرات در معنای عامش اهتمام می‌ورزند. از آن جایی که منکرات حکومتی، تبعات تخریبی بیشتری دارد، با حساسیت و قاطعیت بیشتر با آن‌ها برخورد می‌کنند. و امر به معروف و نهی از منکر حاکمان و نصیحت آن‌ها را وظیفه شرعی و الهی خود می‌دانند.

(۷) حزب اسلامی نسبت به احکام شرعی و قوانین جامعه اسلامی، اهتمام تام دارد. برای رسیدن به اهدافش از هر وسیله‌ای استفاده نمی‌کند. اهتمام به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی برایش مهم‌تر از رسیدن به قدرت و پست است.

۸) حزب اسلامی نسبت به تقویت، تحکیم و کارآمد سازی نظام اسلامی، احساس مسئولیت می‌کند و برای این منظور علاوه بر اعمال نقش نظارتی نسبت به حکومت تلاش می‌کند مردم را از طریق آموزش نسبت به جامعه و تعالی آن مسئولیت‌پذیر کند. آنها را به سمت مشارکت فعال و کیفی فرا بخواند.

اینها ویژگی‌های آرمانی احزاب اسلامی هستند. اینکه ما چگونه و با چه سازوکارهایی می‌توانیم چنین احزابی را داشته باشیم، مسئله دیگری است، که باید راجع به آن مطالعات جامع و دقیق انجام شود. به هر حال داشتن چنین تشکلی‌هایی کاملاً عقلانی است. چون اسلام ما را به چیز غیر واقعی و تخیلی دعوت نمی‌کند. هر آن چه اسلام از بشر خواسته لزوماً به این معنا است که قابل تحقق است. بلکه معلوم است که در قالب احزاب لیبرالی و غربی هرگز این آرمان‌ها محقق نخواهند شد. باید سازوکاری مستقل و برآمده از بطن اسلام برای آن طراحی و تعریف کنیم.

با تفسیر رهبر انقلاب، ولایت به معنای پیوستگی و با هم بودن است. یکی از معانی ولایت، محبت است و آن هم به این دلیل که موجب پیوستگی می‌شود، اما ولایت معنای حکومت را با یک تفسیر جدید از حکمرانی ارائه می‌کند. بدون شک مسئله حکمرانی یکی از مسائل کلیدی جامعه و حکومت ماست که با بسیاری از چالش‌های کشور ارتباط دارد. «رهبری جهادی» و «مدیریت جهادی» دو رکن اصلی حکمرانی است

چند نوع حکمرانی در جامعه بشری خود را نشان داده است. یکی لیبرال دموکراسی، دیگری سوسیال دموکراسی و همچنین دموکراسی مشورتی بر پایه آزادی و عدالت و حقوق بشر است. نوع دیگر حکمرانی، مردم‌سالاری دینی است که در ایران بر پایه آزادی و عدالت و فطرت شکل گرفته است.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به تلاش برخی متفکران غربی برای ارائه الگویی نجات‌بخش گفت: هابرماس در پی ارائه الگویی بود که از نواقص لیبرال دموکراسی نجات پیدا کنند، برای همین بر موضوع عدالت در کنار آزادی‌های فردی تأکید کرد.

زنجیره ارتباط لیبرال دموکراسی در حال از هم پاشیدن است

با تفسیر رهبر انقلاب، ولایت به معنای پیوستگی و با هم بودن است. یکی از معانی ولایت، محبت است و آن هم به این دلیل که موجب پیوستگی می‌شود، اما ولایت معنای حکومت را با یک تفسیر جدید از حکمرانی ارائه می‌کند. حکومت باید در شأن انسان و در تراز انسانیت باشد. در این الگو و با تفسیر رهبر انقلاب، همه چیز در نظام ولایی، مردم هستند. شخصیت، خواست و مصالح آن‌ها در نظام اسلام آمده است. حقیقت ولایت الهی در ارتباط با مردم است.

با اشاره به انواع پیوستگی در نظام ولایی و حکمرانی این حکمرانی از دو بعد «رهبری اسلامی جهادی» و «مدیریت اسلامی جهادی» برخوردار است که در امتداد هم ولایت را شکل می‌دهند. هر چه در ارتباط و پیوند مدیریت با رهبری نواقصی باشد، به کل جامعه منتقل می‌شود.

مدیریت جهادی در امتداد رهبری جهادی، باید بتواند در سطح قوای سه‌گانه، وزرا و استانداران، جریان پیدا کند و در هر سطحی ما رهبری و مدیریت را در ارتباط دین و مردم دنبال کنیم. مدیریت جهادی سابقه‌ای در صدر اسلام دارد و بازتولیدش در اول انقلاب در ایران شکل گرفت. خلاقیت و نوآوری از ویژگی‌های مدیریت جهادی است و هیچ مدیر جهادی پشت موانع توقف نمی‌کند. مسئله دوم مردمی بودن این نوع از مدیریت است که از دل مردم به وجود می‌آید و در درون مردم ادامه پیدا می‌کند. مسئله سوم فرایندی عمل کردن مدیر جهادی است. مدیر جهادی همیشه به صورت شهودی با مسائل برخورد می‌کند، حتی در زندگی عادی هم از این مدیریت می‌توانیم برای مدیریت رویدادها استفاده کنیم. وی افزود: در امنیت و دفاع، امتداد مدیریت با رهبری را شاهد هستیم، اما در اقتصاد و فرهنگ این امتداد را نمی‌بینیم. علامتش این است که با وجود سیاستگذاری در اکثر مسائل اقتصادی و فرهنگی کشور، این سیاست‌ها کمتر از ۳۰-۲۰ درصد اجرایی شده‌اند.

: مشکل عدم یکپارچگی و انضباط راهبردی را در فرهنگ و اقتصاد شاهد هستیم. ما با رویداد نوظهوری فراتر از فضای مجازی روبه‌رو هستیم. حادثه شهادت حاج قاسم که در دنیای واقعی صورت گرفت، دنیای مجازی را منفعل کرد، حتی ضدانقلاب را ساکت کرد، اما برنامه‌ریزی نکرده بودیم که در دنیای مجازی چه کنیم. خود به خود دنیای موازی متأثر از دنیای واقعی قرار گرفت.

حکمرانی دولت اسلامی

در یک تحلیل کلی می‌توان چنین برداشت نمود که ماهیت حکمرانی خوب و اصول مندرج در آن در جوامع اسلامی متفاوت از جوامع غربی است؛ اما با توجه به هنجاری بودن این آموزه می‌توان اصول آن را با مبانی فلسفی و ارزشی و نیز ساختار فرهنگی – سیاسی جوامع گوناگون تطبیق داد. از این رو در جوامع اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران که بر مشروعیت الهی حکومت تاکید شده است، پذیرش اصول نظریه‌ی حکمرانی خوب به عنوان یک تجربه‌ی بشری با رعایت ضوابط و قواعد اساسی مانند حاکمیت قوانین الهی و ضرورت رهبری اسلامی و متناسب با شرایط فرهنگی و اعتقادی در نظام اسلامی با محذوری مواجه نیست، ضمن این که مقایسه‌ی مفاد اصول حکمرانی خوب با اصول اسلامی حکمرانی و تبیین اصول مستقل ناظر بر حکمرانی بر گرفته از معارف قرآنی باید مورد توجه قرار گیرد. بنا بر این، نگاه کاربردی صرف به اصول حکمرانی خوب بدون هیچ قید و شرطی و بدون لحاظ مبانی اسلامی، آن گونه که طرفداران مطلق این دیدگاه معتقدند، در جوامع اسلامی جایز و ممکن نمی‌باشد. چنان که دیدگاه مخالفان مطلق که باب هر گونه مقایسه و بحث را می‌بندد، نمی‌تواند مورد پذیرش واقع شود. با این همه، ترویج اصول نظریه‌ی حکمرانی خوب در جامعه اسلامی به دلیل سوء برداشت و تفسیرهای متفاوت توصیه نمی‌شود و تبیین و ترویج اصول مستقل حکمرانی مستخرج از قرآن و سنت مورد تاکید است.

نتیجه

آنچه در این پژوهش مورد نظر بوده است بررسی دولت سازی معاصر در رهیافت اسلامی از منظر گفتمان حکمرانی ولایی و تبیین نمونه ها و مصادیق مختلف دولت سازی با رویکرد اسلامی به منظور ارائه الگوی اسلامی- ایرانی دولت سازی است. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی پس از قرن‌های متمادی "بسط ید" مؤمنان برای اداره‌ی اسلامی جامعه است. نرم‌افزار دولت اسلامی، اصول‌گرایی و هم‌گفتمانی با شعارها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است. صیانت از نظام اسلامی به عنوان یک ارزش سیستمی و در عین حال کارآمدی آن در حل مشکلات کشور بسته به اعتقاد و ایمان مسؤولین به محتوا و اصول انقلاب اسلامی است. لذا در این چارچوب تحلیلی هر نهاد و جریان سیاسی و اجتماعی که در رویکرد و رفتار خود به اصول و مبانی انقلاب اسلامی بیشتر پای‌بند بود و در عین حال توانست کارآمدی اسلام در اداره‌ی جامعه را ثابت کند از ارزش سیستمی بیشتری برخوردار است.

معیار اصلی شرافت دولت اسلامی به عنوان بخش مهمی از ساختار سیاسی مردم‌سالاری دینی هم‌گفتمانی با انقلاب و کارآمدی است. یکی از آسیب‌های غیرقابل اجتناب دولت‌های پس از انقلاب، عرفی‌گرایی به واسطه‌ی روزمرگی تکنوکراتیک و یا کژاندیشی لیبرال دموکراتیک بوده است. این موضوع منافاتی با انقلابی بودن و ولایت‌پذیری آن‌ها نداشت اما در عین حال نمی‌توان مدعی شد که این دولت‌ها در تئوری‌پردازی‌های کلان خود دال بر تر ولایت و انقلاب را در مرکز منظومه‌ی گفتمانی خود قرار داده بودند. به رهبر انقلاب "نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جان‌هایشان را کف دستشان گرفته‌اند و جوان‌هایشان را به میدان‌های خطر فرستاده‌اند؛ آن‌وقت مسؤولان یک چنین نظامی دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! «یکی بر سر شاخ و بن میبیرد»؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بن این مبنا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود. خب، الحمدلله این‌ها جلوی پیش گرفته شد." در نهایت این که دولت اسلامی اگرچه از بایسته‌های انقلاب اسلامی است اما در مسیر تحقق آن افت و خیزهای فراوانی وجود داشته است. در واقع در حرکت اسلامی ملت ایران انقلاب اسلامی اولین منزلگاه بود که در ادامه به تشکیل نظام اسلامی انجامید. تحقق دولت اسلامی از همان عنفوان انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اهداف اصلی حرکت اسلامی ملت ایران مطرح

شد و تشکیل این الگوی آرمانی از دولت مقدمه‌ای بر شکل‌گیری بطنی "جامعه‌ی اسلامی" قلمداد می‌شد. اما در این مسیر ملت بصیر ایران شاهد پستی و بلندی‌هایی نیز بود. من حیث المجموع دولت‌سازی به عنوان یکی از مفاهیم پایه‌ای در نظام‌سازی و حکمرانی، در چارچوب‌های نگرشی مختلف معانی و الگوهای متنوعی را به خود می‌گیرد. این دامنه را می‌توان از الگوها و مدل‌های دولت‌سازی اقتدارگرایانه غربی تا الگوی دولت اسلامی فقه بنیاد (دولت فقاہت) ترسیم نمود. بر این اساس تجربه دولت‌سازی در رهیافت اسلامی- ایرانی امکان ذاتی داشته و در دوره‌های زمانی مختلف، متناسب با شرایط حاکم و میزان بسط ید معصوم و یا فقیه عادل در حکومت، الگوهای مختلفی را گرفته است.

منابع

یادداشت‌ها

قرآن کریم ترجمه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

بیانات مقام معظم رهبری .

منابع فارسی

۱- نجفی، موسی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران، چاپ دوم، (۱۳۷۸)، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

۲- جعفریان، رسول، صفویه از ظهور تا زوال، چاپ اول، (۱۳۷۸)، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۳- فرشاد شریعت، (۱۳۸۰)، جان لاک و اندیشه آزادی، تهران: انتشارات آگه .

۴- لاکهارت، لارنس، (۱۳۴۳)، انقراض سلسله صفویه و ایام سلطه افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران.

۵- موریس دوورژه، چاپ سوم، (۱۳۵۸)، رژیم‌های سیاسی، ترجمه ناصر صدرالحفاظی، تهران: انتشارات جیبی .

۶- ... ژرژسل، (۱۹۴۳)، رساله مقدماتی حقوق بین الملل عمومی.

۷- دولت بومی؛ هویت و کارآمدی، گزارش جمهور، شماره ۳۹، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، تیر ماه ۱۳۸۷.

۸- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۵۸)، آسیب شناسی انقلاب اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۹- لاریجانی، محمد جواد، (۱۳۷۹)، حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: نشر سروش.

مقالات و تقریرات درسی

- لاریجانی، محمد جواد، (۱۳۷۵)، «حکومت، مشروعیت و کارآمدی»، سروش، شماره ۸۲۵، ص ۲۴-۲۲.

- روحانی، حسن، (۱۳۷۹)، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، راهبرد، شماره ۱۸، ص ۱۹.

منابع اینترنتی و سایت‌های خبری

پایگاه خبری بصیرت.